

کارگر ① کمونیست



لغات اتحاد مبارزان کمونیست

شماره ۱۳۱۲ ۵۰ ریال

سخنی با کارگران مجاهد

کارگران ایران از وجود طرفه و پراکندگی در صفوف خود بیخبرند. از فکسان آزادهای تکرانیک که خود بهترین و بهترین شرایط را فراهم میکند تا هر چه بیشتر متفکک و متحد شوند غناب میکنند.
پلیه در صفحه ۵

در باره کار مذهبی

صفحه ۱۶

کمونیست ها

تنها مدافعین راستین حقوق

اقلیت های مذهبی هستند

آزار و انیت اقلیت های مذهبی و اعمال تبعیض بر آنها به جرم اعتقاد به مذهبی امر از عهده ائلی مغرب به امر عادی و روزمره
پلیه در صفحه ۱۰

سرمقاله

خروج کامل و بدون قید و شرط
قوای اشغالگر جمهوری اسلامی
از کردستان

خواست طبقه کارگر است

جمهوری اسلامی نمرس بهاره اسال خود به کردستان را به فر شرایط و کرد و بی ترکیس جنبش انقلابی و سراسری آغاز کرد. این شرایط و همراه با سخت و نامسه گذشته نمرس بهاره اسال به نو کفا و نکلن های رژیم برای کفانن جنگ با عراق به جنبه های کردستان به این نمرس بهاره را به زنجیره تعرضات تا کنونی رژیم از لحاظ روند آن جنبش انقلابی خلق کرد
پلیه در صفحه ۲

در صحاب دیگر:

حزب رنجبران:

حسابدار قسم خورده سرچابه ۱

پیام بمناسبت سالگشت آغاز بکار
صفحه ۱۵

"رادیو صدای انقلاب ایران" صفحه ۱۶

پاسخ چریکهای فدایی خلق به اطلاعیه

کمیته برگزار کننده کنگره مؤسس

حزب کمونیست ایران صفحه آخر

برای تشکیل حزب کمونیست ایران، به پیش!

بقیه از جمله ۱ خروج کامل ...
از امتیاز تعیین کننده برخوردار میگردد. در
سایه این امر، و از دل این تشریح بهاره، مکررستان
تماماً چهره یک سرزمین افغانی را بخود گرفته
است. این چهره، مکررستان اولمن نماند است
است که جمهوری اسلامی با تشریح بهاره خود
علمی بهاره ای مولفیت های نظامی آن در
محدود ساختن مناطق آزاد مکررستان و عملاً در
مقابل جنبش افغانی خلق کرد یک مکتب
ساز را تجربه میکند.

تشریح بهاره، اساساً جمهوری اسلامی را در
مکررستان خلق و آنگار در انزوای سیاسی
کامل و قطعی قرار داده است. اکنون بهینه
آنگار گفته است که جمهوری اسلامی در مکررستان
جایی برای خود در صحن فقهی از توقعاتی خلق
کرد ندارد. آنگار گفته است که جمهوری اسلامی
در مکررستان تماماً یک بزم افغانی است که
با تکیه بر تعهد شکرگویی ملی و الهی و
آزاد مردم به جرم کژ بودن و کوهانگی و
تعمیر عتقاده های کورده به شهرهای نورست و
اعمال ما و گفتارهای نامعنی و سرشار از کوری به
زور اسلحه مصلح اجباری اهالی حواصلی
مناطق آزاده و از طریق جنگ علیه نیروهای
مصلح خلق کرده و می خواهد حاکمیت افغانی گرانده
بود در مکررستان را حفظ و تحکیم کند.

این مکتب ساز جمهوری اسلامی در برابر
جنبش خلق کرده به انزوای سیاسی کامل و به
ناگزیری او در انکار، قام و تمام به سرکوب
میران و تعهد شکرگویی ملی محدود نمیشود.
از سوی دیگر در جنبش خلق کرد همان رونمایی
آنگار گفته است که این مکتب سیاسی بزم را
به نحو روشنفکری ترسیم میکند: تحریک به راه
شهرهای افغانی و رشد و گسترش مبارزات و
اعتراضات اهالی این شهرها علیه نیروهای

افغانی، مطاومت نموده ای در برابر اسیر
تسلیم اجباری و تحکیم روز افزون رابطه مردم
کرد با سازمانهای سیاسی آن که در پاسخ
آنان به فراخوان تسلیلی عمومی از جانب این
سازمانها در روز ۱۷ خرداد ماه، بنحو سرخسده
ای آنگار گردیده است. استقبال فرایند نمود
مردم و به خصوص جوانان برای قرار گرفتن در
سایه نیروهای مصلح به همگامی و بالکله گرایش
عمومی به مجتمع گفتن نیروهای سیاسی جنبش
در برابر بزم افغانی و همه و همه عکس
سیاسی جمهوری اسلامی را در تشریح بهاره ای و
علمی به نیروهای نظامی او و آنگار میسازند
به نظر این در دل تشریح بهاره جمهوری
اسلامی و با صریحان گفتن چهره مکررستان به
عنوان یک سرزمین افغانی و عملاً نه مصلح
عقب نهایی جنبش خلق کرده بلکه بزم جمهوری
این جنبش بر پایه ای معنی و نفسی سیاسی
عوده و در تکیه به نیروهای محرک های این
جنبش فراهم آمده است. نیروهای سیاسی جنبش
خلق کرد مجتمع میگردد و جنگ مکررستان به
از پیش صحت یک جنگ رهائی بخش را بخود میگرداند
که آزاد سازی مکررستان از زیر بوج قوای
افغانی و کسب تعیین سرزودت از طریق
نیرو را هدف نمود قرار میدهد.

ببینیم و نیروهای سیاسی دیگر این جنگ
رهائی بخش و جنگی که باید به آزاد سازی
مکررستان منجر عوده ناگزیر خواهند بود که
نیروهای پیروزی سیاسی این جنگ را نیز به
روشنی تصدیق کرده و مینمای پیسج و حرکت
چه گشته در تونما در این جنگ قرار دهند
بمبارت دیگر نیروهای سیاسی جنبش خلق کرد
ناگزیر خواهند بود که آن شکل سیاسی را که
کسب قهری حق تعیین سرزودت در چارچوب
مکررستان باید در آن مشمول گردیده صریحاً و

حق تعصم سرافقت در چهارچوب گفتمان خواهد بود. بر این جنبش برهنگی و اولویت عملی پیدا کنند.

با این وجود در مورد تحول و بهسازی آن جنبش خلق کرده با ناآرومی و ناکند تو نکته سروری است.

اول آنکه بهی نزدیک هر گونه غیرسراسری در خارج از مرزهای گفتمان و سورا شرایط بهبود عموم. عملی جنبش در گفتمان با جنبش سراسری را بر یک برآمد و اعتقادی نوین انقلابی فراهم خواهد آورد و سرعت شعارها و اهداف سراسری را در همین جنبش خلق کرد رعد فاده و سر اولویت خواهد گذاشت. چرا که از لحاظ اهداف و شعارهای عامی این جنبش. به معنی کسب حق تعصم سرافقت و کسب منقبت ترین بهی نزدیک است و در همان حال با شعار ترین شکل کسب این حق میتواند از طریق پیروزی جمهوری دمکراتیک انقلابی در سطح کل کشور فراهم گردد.

نوم اینکه: بهی پیروزی پیروز شد جنبشها خلق کرد در امر آزاد سازی گفتمان و کسب شهر آموخت حق تعصم سرافقت در این چهارچوب و عملا خواهد توانست سرعت توازن برای انقلاب و خد انقلاب در سطح کشور را به سطح شرایط انقلابی و یک همزیستی نوین سراسری برهم زند و این نیز بهی خود شرایط بهبود عموم جنبش در گفتمان با جنبش سراسری را از لحاظ اهداف و شعارها فراهم خواهد ساخت.

بهر رو و سرلنظر از اینکه بهی پیروزی جنگ رهانیمش در گفتمان به همزیستی نوین سراسری

به روحی فراوری بوده با بگذارد و بر این مینا آمان را در جنگ تیره ای سراسری آزاد سازی گفتمان بهیج و متعنا نمایند. در این میان بهی پیروزی این جنبش به معنی سازمان انقلابی و دستگام گفتمان ایران (گومله) و نظایه خواهد ساخت که با تعریف دقیق و روشن دورنمای بهی پیروزی ساسی جنگ رهانیمش از دیدگاه طبقه کارگر و طبقه بر - برنام - گومله برای خودستاری - تلاش جدی و هدفمند و از روی نقشه ای را برای سازماندهی حاکمیت انقلابی تیره ای در مناطق آزاد و در دل جنگ رهانیمش آغاز نماید.

جنبش خلق کرده با دورنمای بهی پیروزی ساسی خود در چهارچوب گفتمان و با اتکاب تیره های سرکده عام خود و سرلنظر از موقعیت گفتمانی انقلاب در باقی کشور و سرعت و تاخیر در پیروزی یک همزیستی سراسری و راه بهی پیروزی خود را بهی خواهد کرد. جنبش خلق کرد با دورنمای بهی پیروزی عام خود و با اتکاب به تیره های سرکده عام خود این توان را خواهد ساخت که در شرایط وجود عدم توازن با انقلاب سراسری و نه فقط از حالت صرفا تعاضلی بیرون آمده و بلکه عملا آغاز به بهی پیروزی نماید. بهی پیروزی جنبش خلق کرد در یک چنین حالتی را که هرگز این امر را بهی محال خواهد ساخت که هر یک دوره ای که جنبش خلق کرد در پیروزی و بهی پیروزی و بهی پیروزی با جنبش سراسری حرکت سرکده عام - های سراسری در این جنبش از نوعیت عملی کسب پیروزی و آن شعارهایی که سایر بر ایجاد تحولات دمکراتیک و کسب تیره

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

ایغالگر جمهوری اسلامی از کرفستان - گردید .
 جمهوری اسلامی و همقرین مناطقی کرفستان را
 علمرفم صل و اراده خلق کرد ، از طریق جنگ
 چهارساله علیه این خلق ، تا اینکه کرفستانی بر سر
 با نمرنات بیوقفه و مداوم خود ، کشتارها و قتل
 مام ها و نهایت تعدی و جنایات بی حد و حر
 اغتال کرده است . طبقه کارگر در دفاع از
 حق نمهم سرنوشت و زندگی دانه خلق کسرد
 خواستار خروج کامل و بدون قید و شرط قوای
 اغتالگر جمهوری اسلامی از کرفستان است .

در عرابط کنونی خواست خروج کامل و بی
 قید و شرط قوای اغتالگر جمهوری اسلامی از
 از کرفستان " بیان منحصربویش اصولی طبقه
 کارگر در دفاع از جنبش دانه و برحق خلق
 کرد در راه کسب حق نمهم سرنوشت است ، بدین
 لحاظ این خواست در عرابط اغتال کرفستان به
 همان اندازه اصولی و شهر قابل عملی است .
 اما در همین حال اهمیت این خواست از لحاظ
 سیاسی - عملی ، سرازیره برای همقراسی و سرنوشت
 جمهوری اسلامی ، بسیار فراتر میبود .

طبقه کارگر با طرح و مبارزه برای خواست
 " خروج قوای اغتالگر جمهوری اسلامی از
 کرفستان " در همین حال بر میبوند مبارزاتی
 صحت خود با جنبش خلق کرد ، تا کسب کند ،
 همقرین همقرین و پروانری این جنبش را در کسود ن
 و رهبری راه همقرین این جنبش تقویت میکنند
 و بدین طریق عملاً در جریان همقرین همقرین
 کرد شرکت میکنند . طبقه کارگر بدین طریق
 امکان آنرا مییابد که بنا تکبه به جنبش
 خلق کرد امر تفهیر موازنه قوا بین عرابط
 انقلابی را در سطح کل کشور تسهیل و تسریع
 نماید و از این طریق نیز راه را برای همقرین
 و آغاز همقرین انقلابی خود در سطح سراسری
 طبقه در طبعه ۱۱

کسب کند و با آنکه همقرین همقرین سراسری کس
 در همقرین و کم منفعت همقرین عرابط را برای کس
 حق نمهم سرنوشت خلق کرد فراهم سازده و با
 آنکه با رونقها و اغتال قوی العاده متفوج
 نری مواجه خود همقرین و اهمیت فائز به آنگار
 کرفین آنجا است ، اکنون از لحاظ بر عرود طبقه
 کارگر ایران به جنبش خلق کرد در خارج از
 سرزهای کرفستان یک نکته مسلم است : طبقه
 کارگر بویژه اکنون نمیتواند در برابر جنبش
 خلق کرد صرفاً به تا کسب برحق ملت کرفستان
 ایران در نمهم آزارانانه سرنوشتی اکتفا نماید
 تا کسب برحق ملت کسب در نمهم
 آزارانانه سرنوشتی موضع اصولی و بدین
 سطحی همقرین قابل عملی طبقه کارگر در برابر
 کلهه ملیتهای مستقیم کشور و از جمله ملت
 کرد در ایران است . در برابر جنبش خلق کرد
 سبب برای کسب حق نمهم سرنوشتی ، طبقه
 کارگر باید همقرین و بطور منحصربویش
 حق دفاع کند . مستقل از اینک ملت مستقیم
 بخواهد به این با آن شکل ، از جمله با
 جهاتی کامله و تشکیل دولت مستقل ملی خود
 تشکیل حکومت خودستار در برابر و علیه
 دولت مرکزی ، و با هر شکل همقرین که اراده
 آزارانانه او بر آن عملی کرده حق نمهم
 سرنوشت خود را مورد استفاده قرار دهد .

در کرفستان ، با جنبش خلقی روبرو همقرین
 که برای کسب همقرین حق نمهم آزارانانه سرنوشت
 همقرین و برای آزاد سازی سرزمین همقرین از یوغ
 قوای اغتالگر جمهوری اسلامی بیاعابت و هر
 چه همقرین بها میبوزد . در برابر این جنبش
 تنها تا کسب برحق ملت کرفستان ایران در نمهم
 آزارانانه سرنوشتی کافی نیست . طبقه کارگر
 همقرین باید برای دفاع همقرین از این حق
 خواستار " خروج کامل و بی قید و شرط قوای

طبقه از طبقه ۱

مخفی با

حتی کارگران تازه از روستا آمده و کارگران جوان و حتی آن کارگرانی که بتسول خودشان از ورود به ساحت و اعانه دارند و نهر بسار زود از جهود اتحاد تر میان کارگران به ناله در می آید. اینها کمربهار زود می میهرند که يك مشکل همین است که آزادی برای متحد عین و اعتصاب کردن ندارند در چنین شرایطی طبقه کارگر ناگزیر بوده و ناگزیر است که برای بست آوردن حق آزادی میان عقیده و تفکک و پیروز آزادی اعتصاب مبارزه کند.

"کارگران مجاهد" - منظور کارگران جوانار وابسته به سازمان مجاهدین ملی و مطرد کلی آنست که از کارگران است که به مشورای ملی مقاومت امید بسته و اعتماد کرده اند. بهر حال در شمار کارگران فعال و سیاسی بحساب می آیند و با آنکه نرد و رنج طبقه خود را میفانسد ولی مثلا از این مبارزه (آزادی اعتصاب - آزادی عقیده و بیان و تفکک) دور ساخته و روز بروز از آن دورتر عده اندویرا به زهر آن پرمی رفته اند و به خاطر اعتقاد و مطالبات و خواستهای مبارزه میکنند که آنها را از مبارزه تر راه منافع طبقاتی خود و طبقه همین نردعا و رنجها باز میگرداند.

ساحبه يك کارگر مجاهد" تر پاره مسائل کارگری ایران و پیش نویس قانون کار در نقره مجاهد شماره ۱۲۳ هجری قمری میهن

موضوع است. من میگویم تر اینها و با برناختن به این ساحبه همین موضوع را بشان نظم. البته نقره ما (کارگر کمونیست) در شماره ۲ خود به مسئله قانون کار و موضع مجاهدین تر مورد آن برناخته است. از این جهت تر این نوشته دو نکته دیگر این ساحبه را مورد استناد قرار خواهم داد: اول حفره بین کارگر سلمان و غیر سلمان" دو بسند "سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف" و "کارگر مجاهد" به این" تفرقه بین کارگران سلمان و غیر سلمان" و به "سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف" که هم اکنون توسط جمهوری اسلامی به عمیقترین وجهی اعمال می - کرده اعتراض نارد و پشیمانی از آن تر خفم است. من نشان خواهم داد که چگونه او بسا وجود نرد و اعتراض تر به این تفرقه منعی و سرکوب و زهر پرمی رفته است که جز همین اوضاعی که فعلا مستوضع بهتری به بار نخواهد آورده و به نیروئی اعتماد کرده و امید بسته است که عاونه بر این او را از مبارزه طبقه همین نرد و مشکل باز نماند و باز میگرداند اول به مسئله تفرقه منعی (تفرقه بین سلمان و غیر سلمان) مهربانم و بسند به مسئله سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف که "کارگر مجاهد" در ساحبه یاد شده آنها را از بزرگترین عیانتها و جنایتهای رژیم موجود نرد و پشیمانی آن را محکوم میکند.

*

طبقه کارگر جهانی با بهار ۲۰۰ سال تاریخ مبارزه اش علیه سرمایه داری بسند

اگرما کارگران آزاده کنیم همه جرخها از حرکت باز خواهند ایستاد

پنجم می آورد که کارگران برای آنکه مقدمات او را هدف حمله مشترک خود قرار ندهند هر يك به دنبال طرف و منصب و پس خود را ببینند و از مبارزه علیه او باز نمانند. خود جمهوری اسلامی بزرگترین حامد مثال زنده استفاده بورژوازی از زمین و منصب است.

پس چه باید کرد؟ چگونه باید تفرقه منحصی را علیه هر یک از بورژوازی از میان برد؟ چگونه باید کارگران مسلمان، یهودی، سنی و عجمی، شیعی و اهلنصیب و غیره را متحد کرد؟

ما کمونیستها میگوئیم زمین نبوده ما را تغییر میکند و ما مبارزه علیه تأثیرات آن را وایله دائمی، همیشگی و تعطیل ناپذیر خود میدانیم. اما ما کمونیستها هیچوقت کار متفکلی کردن و متحد نمودن کارگران مذاهب مختلف را سرکول به رهائی آنان از منصب نمی

کنیم. ما هیچوقت صالح اتحاد و تفکلی کارگران را به خول منافع اقتصادی و سیاسی روشنمان تحت الطاع مبارزه اینتلولوزیک خود علیه منصب قرار نمیدهم. از اینرو ما برای از میان برداشتن تفرقه منحصی در میان کارگران قبل از همه خواستار یک چیز هستیم: اینکه دولت منصب را امر محسوس افراد بنماید و هر آن نهادت نگردد. دولت بطور کامل از زمین و منصب جدا گردد. مسلمات اینجائی را ما در برنامه مان بیان کرده ایم. این امر به معنی

جفائی زمین از دولت نشمن میکند که بتواند با تفرقه منحصی در میان کارگران بهوسیله مفاصله کرد و آنها را از میان برد. در همین حاله کارگران مذاهب مختلف به همان اندازه که بمبارزه برای این امر روی میآورند و آنها را در دستور قرار میدهند به همان اندازه نیز خود را از غر زنباله روی از آموختن و اشتغال و عوام ها و مفتی های خود رها کرده

بورژوازی نشان داده است که کارگران متحد و متفکلی و آگاه چه قدرتی دارند. کارگران ایران نیز با امتنان یکپارچه و سراسری خود در سال ۵۷ قدرت مطلق طبقاتی خود را نشان دادند و علاوه بر طبقات و اقشار دیگر ثابت کردند که: «اگر طبقات کارگران اراده کنند همه چیزها از حرکت باز خواهند ایستاد!»

اما بورژوازی اجازه خواهد داد تا کارگران متحد و متفکلی شوند و او را از اینکه قدرتی بزرگتر کند؟ آیا بورژوازی اجازه خواهد داد که گورکنان او متحد و متفکلی شوند و به زندگی انگلی این معنی اقلیت ناپسند که با هر اعتبار گرفتن وسایل تولید اکثریت مطلق مردمی چیز را اظهار میکنند عاظم بخدمت؟ لطفاً همرازم

کارگری میدانند که بورژوازی همواره میگوید تا فکنازد گورکنان متحد و متفکلی شوند، یک برج اساسی در فوام و بقای سلطه طبقاتی این طبقه استثمارگر همین تفرقه و پراکندگی در صفوف گورکنان است. بورژوازی نه فقط به زور پلمسه ارتش، زلفانها و نادگاههای خود می تر منفرد نگهبانن کارگران میکنند بلکه علاوه بر آن از ابزارهای سلوی هم استفاده میکنند از احساسات ملی (ناحونا لیم از آناپ و مادات لرعگی و بشهره از همین چیز گشمن ابزار تحسید و تحسره یعنی زمین!

بورژوازی با استکا به این وسیله همه فقط زمین کارگران را نسبت به درک منافع طبقاتی خود مضمور و تیره و تاریک مبارزه بلکه علاوه بر آن با ارجح قرار دادن یک منصب و زمین نسبت به فکرا ایمان و با تیره کتسبات منحصی و کارگران وابسته به ایمان و مذاهب مختلف را از هم دور میکند و تا آنجا که بتواند هر مفاصله هم قرار میدهد. خلاصه آنکه بورژوازی با تکیه به منصب آنچنان فرایطی

یک طرفه منصفی را کنار میگذارند.
 یا آنچه گفتیم روشن است که هر کس از
 تفرقه منصفی رنج کند و رنج میکند حداقل
 منصفی که باید برقرار است که امر مبارزه
 برای جانی کامل و قطعی من از دولت را در
 دستور خود قرار ندهد. او باید با تمام جدیت
 بکوشد تا کارگران مناصب مختلف و در لفظ
 کارگران بلکه همه آمپهای با عرض و دستکرات
 مناصب مختلف را به اهمیت جانی من از دولت
 واقف کند و آنها را برای مبارزه بر این راه
 متحد گرداند.

★

به نکتہ دوم، یعنی مثلاً "مرکوب
 اعتصابات و مبارزات کارگری به بیانه هار
 مختلف" بپردازیم تا باز هم روشنتر شود که
 چگونه "کارگر مجاهد" با اصرار بر "مجاهد"
 بودنش امروز علاوه بر منافع خود و مبارز طبقه
 خود پیشت میکند.

هر کارگری که اندکی هم با تاریخچه
 مبارزات طبقه خود آشنا باشد بخوبی میفانسد
 که پیروز وازی و دولت های او هیچگاه برای
 مرکوب اعتصابات و مبارزات کارگری بیانه کم
 نیاورده اند. امیرا لافل خود جمهوری اسلانی
 در این چند ساله بنحو کاملی انبیات کرده
 است. همواره و مکرر از پونهای نیلمنسانی
 رژیم فتنه ام که: "اعتصابات بیفج طاعت
 طلبان است" "اعتصاب غیر غرضی است" و
 "اعتصاب بیفج آمریکاست" و "اعتصاب بیفج
 مدام است" و "دوران سازندگی است و نه دوران
 اعتصاب" و غیره... جمهوری اسلانی به بیانه
 هائی از این قبیل با اعتصابات و مبارزات
 کارگری مقابله کرده و هر گاه بیانه هائس
 موثر نبوده اند اعتصابات را بزور سرنصره و
 با اصرار و زنتان و اعنام فعالین و رهبران
 آن مرکوب کرده است.

خوبه چاره چیست؟ بیست آورده من
 آزادی بدون قيد و شرط تشکل و اعتصاب و آماد

"کارگر مجاهد" و از این تفرقه منصفی
 شکایت میکند. از آن منقاد و باید خواهان
 پایان فاسد به تفرقه و شکاف منصفی بین
 کارگران باشد. اما با اینحال به صورتی
 امید و اعتماد بسته است که سراسر فارای
 اینتلوژوی منصفی است و به زیر پرچمی
 رفته است. شورای ملی طاوت که نه تنها
 خواهان از بمن برمن تفرقه منصفی در میان
 کارگران نیست بلکه تنها نمیخواهد صلاح منصف
 را از چنگ رژیم موجود بیرون آورده تنها
 هیچ کسکی به متحد عفن کارگران در مبارزه
 طبقه جمهوری اسلانی نمیکنند بلکه نکتسه آن
 بر نام اسلانی حکومتی که وعده میدهد از هم
 اکنون نشان میدهد که میخواهد به تفرقه و
 مرکوب منصفی در میان کارگران توام و بقا
 میدهد.

"کارگر مجاهد" که از یکسو وجود
 تفرقه و مرکوب منصفی در میان کارگران در
 رنج است و از آن شکایت میکند و از سوی
 دیگر زیر پرچمی رفته است که با وعده دادن

"کارگر مجاهد" که از یکسو وجود
 تفرقه و مرکوب منصفی در میان کارگران در
 رنج است و از آن شکایت میکند و از سوی
 دیگر زیر پرچمی رفته است که با وعده دادن

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم



در کمال عین عمیدگر کارگران متعطل برای دفاع و مطالبه با حیات و تعصبات بورژوازی و دولت او. کارگران باید با نیروی خود حق بدون قید و شرط آزادی متعطل و اعتصاب را به دست آورند. کارگران نباید به هیچگونه قید و شرطی که این آزادی را محدود و منوط کند قن بمانند. کارگران تضمین برقراری و دوام این حق را نباید به صرف پذیرفته عین این حق بر قوانین کمپوزی واگذارند. تضمین واقعی دوام و بقای این حق باید مسواره نیروی متعطل و آزاده خود کارگران باشد. تنها بدون طریقی است که میتوان با سرکوب اعتصابات و مبارزات کارگری با بهانه هایی که هر روز و همه ساعت بورژوازی و دولت او از آنتهن بیرون می آورند مقابله کرد.

"کارگران مجاهد" نهاده تا آنجا که کارکرد از سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف فر رفته اند اما آنها بعنوان مجاهد زیر پرچمی رفته اند که نه تنها دست خود را بر سرکوب اعتصابات به فرس به قدرت رساندن باز گذاشته است بلکه از هم اکنون هم دست و پای کارگران مجاهد را بر امر مبارزه برای به دست آوردن حق آزادی بی قید و شرط متعطل و اعتصاب در پوست کرمی گذاشته است.

اولاً جمهوری ملی مطابق دست خود را برای سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف و همه طریقی قانونی باز گذاشته است. بعضی دلسلس بیرون جمهوری ملی مقاومت بنا بر برنامه اوجون مبارزه و اعتصاب را برای کارگران به این شرط برسمت میفرازد که اولاً مبارزات و اعتصابات "سالت آمیز" و ثانیا "با اعلام قبلی" صورت بگیرد این دو شرط به معنی "سالت آمیز" و "با اعلام قبلی" باز هم اکنون بعضی ها و بهانه های لازم برای سرکوب

مبارزات و اعتصابات کارگری را مانع بطور قانونی فر "جمهوری مکرراته املی" بقا داده است. چه کسانی باید تخصص متحد که اعتصاب "سالت آمیز" است یا نه؟ چندروز یا چند ماه کارگران فر اوقات بولنی باید برای اعلام قبلی مبارزه و اعتصاب خود نودنگی کنند؟ از چه مقامی باید اجازه بگیرند؟ چه کسانی تضمین میکنند که راهبمانی و اعتصاب کارگران از بیرون به اشتغال کشند؟ نمود و همین بهانه سرکوب قانونی اعتصابات و لغو قانونی هر گونه حق مبارزه و اعتصاب نگردد. روز اول ماه مه در نظاهرات سالت آمیز کارگران فر عینا گو پیمی فر میان کارگران متعطل عد و بدنبال آن سرکوب قانونی اعتصابات کارگری و اعغام فعالین کارگری آغاز شد. هیئت "رایفتانک" مجلس ملی آلمان را توسط مواطل خود به آندر کفید و به این بهانه تهاجم به انتقامه های کارگری آلمان را شروع کرد و عهد را متعطل و غیر قانونی اعلام نمود. تاریخ مبارزات طبقه کارگر هر آر این نوع هاست و همه ثابت میکنند که قید و شرط "سالت آمیز" و "اعلام قبلی" مبارزه و اعتصاب به فرست در شرایط حدت گرفتن مبارزات یعنی منع قانونی و کامل حق مبارزه و اعتصاب و سرکوب خونین آنها هورای ملی مقاومت با تاگید بر این قید و شرط ها در مورد آزادی اعتصاب در برنامه امره نشان میدهد که از هم اکنون لباسهای نظامی امر را برای "سرکوب قانونی" مبارزات کارگری نوشته است و فرس به قدرت رسیدن او برای کارگران جز این معنائی نخواهد داشت که: "روز از نو روزی از نو" ثانیا گفتیم که "کارگران مجاهد" با مجاهد بودن خود عمل است و پایمان را هم اکنون در مبارزه برای به دست آوردن حیات

در کمال عین عمیدگر کارگران متعطل برای دفاع و مطالبه با حیات و تعصبات بورژوازی و دولت او. کارگران باید با نیروی خود حق بدون قید و شرط آزادی متعطل و اعتصاب را به دست آورند. کارگران نباید به هیچگونه قید و شرطی که این آزادی را محدود و منوط کند قن بمانند. کارگران تضمین برقراری و دوام این حق را نباید به صرف پذیرفته عین این حق بر قوانین کمپوزی واگذارند. تضمین واقعی دوام و بقای این حق باید مسواره نیروی متعطل و آزاده خود کارگران باشد. تنها بدون طریقی است که میتوان با سرکوب اعتصابات و مبارزات کارگری با بهانه هایی که هر روز و همه ساعت بورژوازی و دولت او از آنتهن بیرون می آورند مقابله کرد.

"کارگران مجاهد" نهاده تا آنجا که کارکرد از سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف فر رفته اند اما آنها بعنوان مجاهد زیر پرچمی رفته اند که نه تنها دست خود را بر سرکوب اعتصابات به فرس به قدرت رساندن باز گذاشته است بلکه از هم اکنون هم دست و پای کارگران مجاهد را بر امر مبارزه برای به دست آوردن حق آزادی بی قید و شرط متعطل و اعتصاب در پوست کرمی گذاشته است.

اولاً جمهوری ملی مطابق دست خود را برای سرکوب اعتصابات به بهانه های مختلف و همه طریقی قانونی باز گذاشته است. بعضی دلسلس بیرون جمهوری ملی مقاومت بنا بر برنامه اوجون مبارزه و اعتصاب را برای کارگران به این شرط برسمت میفرازد که اولاً مبارزات و اعتصابات "سالت آمیز" و ثانیا "با اعلام قبلی" صورت بگیرد این دو شرط به معنی "سالت آمیز" و "با اعلام قبلی" باز هم اکنون بعضی ها و بهانه های لازم برای سرکوب

آزادی اعتصاب و تشکل در پوست گداخته اند. بدین دلیل روشن: چگونه کسی که از پیش پذیرفته است که حق مبارزه و اعتصاب بعسرط مسالمت و اعلام قبلی باشد کسی که خود را ماسعار روی کار آمدن رژیم قرار داده است که از هم اکنون حق مبارزه و اعتصاب را با این عرط و شروط حاضر است برسمت بماند و چگونه چنین کارگری میتواند از رژیم حاضر حق بدون قید و شرط آزادی تشکل و اعتصاب را طلب کند؟ راستی و وقتی خود او برمسوویت قانونی حق مبارزه و اعتصاب مدعیه میگذارد و آنها به رژیم موجود نیز این حق را نمیدهند که آزادی مبارزه و اعتصاب را همانگونه محدود کند و به بیان حاشیه از جمله به بیانیه های متصلی و تجاوز از آن حدود مبارزات و اعتصابات کارگری را در هم گوید؟ آیا کارگران سعاد با بیانیه های مسووی اسلامی در سرکوب اعتصابات مخالفتند یا با خود امر سرکوب اعتصابات متعلق از اینکده بخواهد تحت هر بیانیه ای از جمله "نفاغتن اجازه" و "عدم اعلام قبلی" صورت گیرد؟

آها و العا "کارگران سعاد" که مثل هر کارگر دیگر از سرکوب مبارزات و اعتصابات و از نفاغتن حق تشکل و اتحاد و اعتصاب رنج میکشند با رفتن خود به زیر پرچم سعادین و غورای ملی مقاومت از مبارزه در راه مصالح طبقه خود دور افتند و به آن پشت نکرده اند؟

میهد که چگونه سازمان سعادین با تخریب خواستها و نیازها بیان و آنها را از مبارزه در راه منافع طبقاتی خود دور کرده اند. زنان سعاد که چگونه سعادین و غورای ملی مقاومت نه تنها به فرسوسه فقرت رسیدنشان آورده چنان روشنفتری از جمهوری اسلامی موجود به آنها و توده های طبقه شان نویسد سعادده بلکه عملا با تقدیر و منقطع کردن آن توده هایی که به او اعتماد کرده و امید بسته اند عملا آنها را بجزر بیخ تنگتری همس رژیم موجود میکنند.

راه "سعادین" و کارگران امروزین سعادین از هم دور شده است. "کارگران سعاد" با ناهد همسان سعاد باشد و در اینصورت به آرمانها و منافع طبقه خود حتی به اولیه ترس منافع و اهداف طبقه شان از جمله باغتن حق بی نهد و شرط اتحادیت کل آزادی اعتصاب و بهروروری از جمله قانون کار انذالی (همچنانکه در شماره ۷۲ کارگر کمونیست نشان دادیم) پشت کنند و از آن دور بوند و با آنکه امید و اعتماد از سعادین و هر نیروی بورژوازی و خرده بورژوازی دیگر سرگرفته به نیروی طبقه خود اتکا کنند و از اهداف و آرمانها و خواستهای مستقل طبقه خود دفاع نمایند و به پیشتازان آگاه مبارزه طبقاتی خود یعنی کمونیسم بپیوندند. این طبقه کارگران کمونیست و همه کمونیستهاست تا هر چه بیشتر تلاش کنند که کارگران هوادار سعادین را شو سعاد بوی غلغله شوند و جای خود را در صف فعالین حسیب کارگری پیدا کنند.

نو نکته ای را که در بالا مورد بررسی قرار دادیم به خوبی نشان میدهد که چرا و چگونه "کارگران سعاد" نه فقط از صف فعالین حسیب کارگری بلکه حتی از مبارزه توده های کارگر نیز دور افتاده اند. نشان

بقیه از صفحه ۱

کمیونتها تنها ...

جمهوری اسلامی بدل شده است.

ممکن است این سؤال برای کسی پیش آید که چه کسی از امنیت و آزار جمهوری اسلامی فرامان است که اقلیت‌های مذهبی باشند؟ غلبی طبیعی است که جنبش متوالی مذهبی ظهور کند چرا که سرکوب و غفلان به بی حقوقی و عدم برخورداری از امنیت اجتماعی آنها وسیع است که فشار و تبعیضات ویژه ای که اقلیت‌های مذهبی تحت این استبداد جاه مذهبی بر این ۲ ساله اخیر متحمل می‌شودده می‌تواند در نظر بسیاری از آنها که مدت کم‌تر در گذر حلوه کنند. اقلیت‌های مذهبی در این ۲ ساله سرکوب و اعتسای علاوه بر بی حقوقی غفلان و فشارهایی که تمامی مردم ایران با آن دست‌به‌گریبان شده چهار فشارها و محدودیت‌های اساسی و اقتصادی و اجتماعی ویژه ای نیز بسووه و هستند که دقیقاً بظاهر منطبق و تفاوت‌مندی‌ها تنان یا منطبق و رسمی کشور توسط حکام صامورین و جا فوکنان رسمی و غیر رسمی رژیم حاکم بر آنها تحمیل شده و هر گونه حقوق و امنیت اجتماعی را از آنها سلب کرده است.

در میان اقلیت‌های مذهبی موجود در کشور بهائیان از موقعیت حتی بدتری برخوردارند آنها تحت شدیدترین فشارها و تبعیضات قرار دارند. در این چند سال اخیر رژیم فدا شده بند اسلامی صفا نظر از بهائیان را به ضعیف‌ترین شکلی اعدام کرده و خانه‌ها و اعیان را آتش زده از کار امرایان نموده و از هتئ سلطان کرده است. آنچه این رژیم ارتجاعی بر سر بهائیان آورده، کشتارهای مذهبی قرون وسطا را به ذهن متبادر میکند.

دلایل اینکه اقلیت‌های مذهبی بطور عام

و بهائیان بطور خاص تحت چنین فشار و تبعیضی قرار دارند جز این نیست که منطبق اکنون در کشور ما علاوه بر آن نقشی که همیشه داشته و یک حربه دولتی هم بدل شده است و این بدل شدن به حربه دولتی ایما بسیار بقده ای به اعمال فشار و تبعیض به اقلیت‌های مذهبی داده است. کمیونتها ها اکنون بیش از یک قرن است که موع خود را صریحاً تریاره نفسی منطبق بعنوان ابزاری در دست بورژوازی و دولتها بیان برای سرکوب و تحمیل و تفرقه انداختن میان بوده. های مردم بطور عام و کارگران بطور خاص اعلام یافته اند. و تحریریه بویژه ۲ سال اخیر نیز صحت این حکم ما را بطوری بر همگان روشن ساخته است و لذا توجیح بیشتر این مسئله در اینجا ضرورتی ندارد.

ما کمیونتها برای جامعه ای عاری از هر گونه ستم و تبعیض اجتماعی مبارزه میکنیم جامعه ای که نه منطبق نه نژاده نه جنسیت و نه ملیت نتواند جدائی برای اعمال تبعیض بر هیچ قشری از جامعه باشد. و یک رکن اساسی جدائی به چند جامعه ای برقراری رژیم سیاسی است که منطبق را امر خصوصی مردم تلقی کند و جدائی منطبق از دولت را کاملاً برسمیت بینداند و در نتیجه لغو وجود هرگونه منطبق رسمی در کشور و برقراری برابری کامل حقوق قانونی کلیه افراد صرف نظر از مرام سیاسی و اعتقاد به هر منطبق و با هیچگونه منطبق برسمیت بینداند. تنها در چارچوب چنین نظام سیاسی ای است که هر قشر اجتماعی و هر فردی ذائقه است مضمون از هر گونه تبعیض و تعرضی به آزادی بظاهر منطبق و اعتقاد انحراف و برخورداری از امنیت و حقوق برابر اجتماعی با باورها و اعتقادات عمومی زندگی کند. تنها ای رژیم سیاسی که جدائی منطبق از دولت را برسمیت



بنیاد است که قاضی هر گونه استنصار و بزه
 منعی برای فتری و تر منحه بهمنی یسرای
 نیز دیگر را از میان ببرد. تنها خاص
 آزادی منصف دولت غیر منعی است.
 بنا بر این ه اقلیت های منعی جامعه ما
 نیز اگر واقعا می خواهد که از هر هر گونه
 منعی و تبعیض منعی خلاصی یابند باید بنانند
 که راه رهائی همانا مبارزه برای تقویت این
 مطالبات است. اقلیت های منعی با سرشرو
 برین تر لان فرقه منعی و ما با نوبت به
 ارگانها و نهادهای منعی خویند و ما با هیچ
 تنها هم فرقه ای های خود برای آماده حقوق
 فرقه خویند قادر نخواهند بود که هیچیک از
 حقوق قانونی خویند را متعقل کند. و تبعیضات
 و تبعیضات منعی را از گرفته خویند برآوردند.
 آنها باید که بجز هر چه مبارزه ای
 مطالبات بمانند و برای تقویت این مطالبات
 بهنگرانه مبارزه کنند هر چه که فیهوهای
 حزب کمونیست اکنون مدعی است که در ایران
 به اقتضای آورده اند.
 بهنگرترین و مایلترین مخالفین برابری
 کامل اقلیت های منعی و لغو هر گونه تبعیض
 منعی کانی هستند که هر چه مطالبه جناسی
 منعی از دولت را بلند کنند و همگان خواهند
 که این هر چه را تنها حزب کمونیست است که
 برافراخته است. کمونیستها از آنرو این
 منعی بهنگرانه منافع برابری اقلیت های
 منعی و رفع تبعیض و منعی از آنهاند که نه
 تنها هیچ نفسی در اعمال منعی و تبعیض منعی
 نگارند بلکه از وجود آن رها می بینند.
 فراغات منعی و نفی برابری منعی یکی از
 موانع عظیم منعی و ملی در راه منعی به
 اعمال نهائی کمونیستها و منعی منعی به
 دیگران و منعی سرگونی نظام سرمایه داری

برفراری نظام غاری ار استنصاره منعی و تبعیض
 اجتماعی یعنی سوسالیم بنابر می رود.
 ما اقلیت های منعی کشور و کلیه مردم
 آزادیخواه و خریف جامعه را ترا میخوانیم که
 به سرورهای حزب کمونیست پیوستند و برای
 تحق و تقویت مطالبات خود در چارچوب جمهوری
 دمکراتیک انقلابی ایران مبارزه کنند و برین حال
 از کارگران نیز می خواهیم که در مقابل اعمال تبعیض
 و سایر برانگشتی های منعی سکوت نکنند و بدفاع
 فعال از حقوق اقلیت های منعی بلند شوند.
 سکوت در مقابل اعمال فساد و تعدی بر اقلیت
 های منعی نه تنها نتواند به سرکوبگری این
 رژیم ارتعاشی و حاکمیت با نظام پیوسته و
 فاشیستی است بلکه اجازه دادن به سرور واری
 است تا در بیرون صفوف خودمان منعی و ملی
 مفاقتند و این وظیفه کارگران کمونیست و
 بهنر است که لزوم این مبارزه را در میان
 توده های کارگر تبلیغ کنند و کارگران را به
 لزوم این مبارزه و دفاع از حقوق اقلیت های
 منعی واقف نمایند. این مبارزات در منعی
 امرای به هر گونه فساد و تبعیض علیه اقلیت
 های منعی باید با مبارزه برای جدائی منعی
 از دولت و لغو هر نوع منعی بر کشور و
 برابری کامل حقوق قانونی افراد و صرف نظر از
 منعی ه مردم جناس و منعی توأم گردد. این
 مطالبات باید بطور وسیع در میان توده های
 کارگر تبلیغ شود. تنها با تقویت این
 مطالبات و با استقرار یک رژیم غیر منعی و
 واقعا دمکراتیک میتوان تبعیضات منعی را از
 میان برد و یک مانع اساسی جهت همه جانبه
 منعی طبقه کارگر را از سر راه برداشت.

درباره کار محلی

چون با نفس ندارند با نحت تمقیب بپسند
با شرایط استخدام محسده است با سر بسازی
نرفته اند و نس علیها ...

اینکه گویا حسود با کارگران ارشاهی
دانشی و طبیبی، فانت مگر آنگاه که خودشان
کارگر و آنهم کارگر مطلق باشند و هر روز
آنها را در کارخانه ملقات کنیم یکی از آن
انتباهاتی است که در ابتدا به آن اشاره
کردیم. این بهترین کارگران را سومو فانیس
نفلکد ناپدیر از محیط کارخانه و ماضی آلات
و پرده تولید مهنفارد و آنها را انسانهای
اجتماعی و مه جانیه نی بوند و از این
لراتره نور میکند که خود کارگران هم از
هیچکس خوشتر نی آید مگر آنها که سسشان
همیشه بسته باشد و جد اندر جد کارگر زاده
باشند و بهترین آشکارا غلط است. چنین بهترین
مضی فرجهان کارگران اکونومیست جانی ندارد.
این مهربان آن چنین غریبه پوزروانی است که
ملبرغم کارگر کارگر گفتن همیشه ملاء خواهان
انزوی کارگران و جفانی آنها از روشنگران
و انقلابیون بوده است.

کارگر فقط در هشت ماضی و هنگام کار
کارگر نیست و در پانی ساعات روز هم همان
برده شمشکی است که بود و سفود با او درباره
رهائی و سوسالیسم و حزب حرف زد و درباره
مبارزه نقشه کشید. کارگران منتالی ناشنسن
و نشفه علم رهائی اند. برای هیچکس مشان
نفاوتی نمیکند آنکس که راه رهائی را به او
ندان میدهد. او را به مغلوب حزب جلب میکند
و به او قدرت میدهد همکارش باشد و با معلم

در بر خورد به نمالین شهرها و بصوسی
وقتی آنها را به کار حوزهای و ایجاد حوزهای
حزبی فراهمخوانیم وجود دو اعتبار نسبتا
عمومی در میان آنان جلب توجه میکند. این
هر دو اعتبار سو - نفاغانی درباره کیفیت
و اهمیت کار محلی هستند. با توجه به اینکه
نصود میکنیم این بهترین های با قدرت نسبت به
کار محلی و همرا در میان نمالین جنبش ما
شایع است و لازم قدم مضمرا نکاتی را برای
نفره کارگر کمونیست بنویسیم.

میدانید که یکی از بهترین نکاتی که ما
پس از نقد عیوه های قدیم کار بر آن انگشت
میگذاریم ایجاد ارتباط مستمر و مقاوم با
کارگران است. ارتباطی مبتنی بر روابط
طبیبی اجتماعی. در توضیح کار حوزهای نیز
بر این نکته یعنی ایجاد روابط و مناسبات
طبیبی اجتماعی با کارگران تاکید میکنیم.
چرا که انجام وظایف مستمر کمونیستی در مشن
چنین روابطی با کارگران و زحمتکشان سیر
و مقدور است. اینجاست که آندسته از رفقای
ما که خود کارگر نیستند از اینکه نمیتوانند
اتفاق گفته این پراکنک نوع جدید باشند
اطهار تاضف میکنند! چرا؟ معمولا به این دلیل
که نمیتوانند بیرون کارخانه راه یابند و
در مراکز تولید استخدام شوند! نمیتوانند

زنده بان سوسیالیسم!

فرزندی، لیبرل‌رویی‌ها، عطار، سر کوجه این ه
پسر مومنین‌ها هم‌پا ای. برای ما هم
تفاوتی نمیکنند. ما میخواهیم کارگران را متحد
کنیم نه فقط همکارانمان را.

پس اینکه ما میخواهیم در مراکز بزرگ
تولید باه‌گاه‌های نیرومندی از پرولتاریای
صنعتی سازمان‌دهی شود؟ آیا این هدف را
فراموش کرده ایم؟

طرح چنین سوالی در چنین مکانی خود
حاکمی از اعتقاد دیگری است که آنها کمابیش
عمومیت دارد. وقتی میگوئیم ما باید بطور
ویژه پرولتاریای صنعتی و مراکز بزرگ و
کلیدی تولید را طرف توجه قرار ندهیم منظور-

مانند باقی‌مانده یک حزب یا یک جریان است. این
معنا منافیست که ما از هر فردی که با حزب
کار میکند - اعم از کارمند و معلم و دانش-
دار و دانش‌آموز - علمبرغم شرایط بسیار

ناساهاست برای تبدیل شدن به یک کارگر صنعتی
با نظارت ناخفته باقیم که کار و بارش را رها
کند و بپوش ترمیمی شده خودش را به کارخانه
بزرگی برساند. اصلاحیه کسی گفته است که در
بعضورت ما در میان پرولتاریای صنعتی نفوذ
بختی بیست می‌آوریم؟

این تاکید که ما باید بطور ویژه ای به
پرولتاریای صنعتی توجه ناخفته باقیم به این
سناسات که آنها همیشه در فعالتهای مد نظر
قرار ندهیم. فعالیتش که بنا به ترمیم موضوع
کارش همیشه کارگرانند بدون آنکه الزاماً
فعالیتی فابریکی باشد. یعنی همان معلم و
دانش‌آموز و خانه‌داری که در محله شان در
موزه ای کمونیستی فعالیت میکنند باهم
بخصوص روابطشان را با کارگران صنعتی ای که
در محله شان سکونت دارند (با بهر حال پس
آنها تماس دارند) جدی‌تر بگیرند. محکم تر

کنند و سعی کنند با سرعت و جهت پیوسته‌تری
آنان را سمت حزب بکشانند و سخن‌های را در
میانشان اتناحه نهند.

و بالاخره نکته دیگر این است که به مجرد
نام بردن از کار محلی و یا حوزه محلی همان
کار محلی بنحویه سابق یعنی راه انداختن
حرکات اعتراضی در محلات باطریق هدف‌گویی و تان
و اسفالت و کوچه و غیره، در نفس بسیاری از
رغبتاً متباین مسودها چشم‌دزدکی از کار محلی
اموال کار محلی هم بی‌ارزش و هم نامسک طوره
میکند. بی‌ارزش جلوه می‌کند زیرا راه انداختن
حرکات محله ای بر سر گوشت و اسفالت و غیره
بخودی خود هیچ عسلت ویژه طبقاتی و کارگری
ندارد و نامسک میشود زیرا که شرایط سخت
پلهسی و کنترل مجدد و حزب‌الله محله راه
انداختن حرکات اعتراضی در محلات را نفوی العاده
بشوار ساخته است.

این یکسان گرفتن کار محلی با آکمیونهای
محله ای و مراث دیگری از پوپولیسم است
ما قطعاً بعنوان بخشی از کارگران که به راه
حل همه منقعات موجود در جامعه آگاهیم و
میدانیم که کل این نظام را باید زبرد و کرد
از هر حرکت اعتراضی حی‌اللبانه شکست‌نا و
تهدیدشان استقبال و پشتیبانی میکنیم. ما در
همه این حرکات فعالیت فعال خواهیم کرد چرا
که میخواهیم آنان موفق شوند حقوق خود را
در اندازه ناهنجار بایند بینانند و در بعضی
حال به‌آموزنده آگاه تر و مشکل‌تر شوند و
برای رهائی فلسی خود پس بپروند. ما بعنوان
بخشی از کارگران که مستقل از وجود باقیم
در حرکت خود و کلن کمربه آگاه کرسی و
متحد کردن و به‌داشتن نوده‌های کارگر و
زمینکن بسته ایم بنا بر این اهداف ما آنها
کار داریم و سازمان‌ها هم مسائل است. لکن

انتخاب است اگر از اینجا نتیجه بگیریم که اصولاً کار عملی یعنی ترک کردن مردم محترمش با دولت و اگر زمینه ای برای بالاکرفتن تحولات اعتراضی وجود نفاذت دیگر کار و مبارزه عملی معنائی ندارد.

علاوه کنم اگر ترک عملی از کار کمونیستی دانسته باشیم یعنی ما هم که موضوع کار ما کارگران و زحمتکشانند و محتوای رابطه ما با آنها چیست. اگر ترک کنیم که مبارزه فاشی ما برای آگاه کردن متعدد و متذکر کردن کارگران و تعان دادن راه نجات به آنها و همه زحمتکشان مبارزه ای با اعتبار خود انقلابی است آنوقت کلیتاً معنی که تسلط چندین ساله پوپولیس بر جنبش ما در اعلان ما ساخته است فراموش خواهند بست و نخواهیم یافت که اگر بخواهیم سرودمان زمین را برای ساختن معنائی دیگر بسط کنیم و منتظر نخواستیم روزانه آنها با سرخ فروش سل و دریان و سایر کارخانه نخواستیم بود و بالاکرفه در سیمایم که کار عملی حزبی در میان کارگران و زحمتکشان چه امکانات وسیعی برای تحکیم

داعیه حزب با آنان نیست خواهد داد
 ترک صحیح از کار کمونیستی و کار عملی
 از سوی فعالین جنبش ما نیروی عملی را در
 خدمت حزب برکت در خواهد آورد. نیرویی که
 عناصر آن با هم زماناً توانایی اشتغال در هر کار مفیدی
 در متن این همکاری میسر میسر میسر خود را
 نتوان از فعالیت حزبی و کمونیستی نیز
 میبندند است و عاطف و عاطف مانده بودند
 این وظیفه رفقای آگاه است که به همه
 هواداران حزب کمونیست بقیاسند که ما با
 آنچه که آنان بنام جنبش کمونیستی نا کنون
 شناخته اند در عمل تفاوتی اساسی داریم
 برای آنها نترهای کنگره اول ما را تشریح
 کنند و به آنها یاد بدهند که در کنار
 خودشان در همان جای خود بخوانند
 میتوانستند کمونیست تشکیلی و یک
 حزب فعال باشند. به آنها کار حوزه ای و
 وظایف حوزه حزبی را میآموزد و همه حسی
 کارگران معارف و معنی را به فعالیت حزبی
 در محله شان فرا خواهند.

خواست "حزب کامل و بی نقد و شرط نسوی
 اعتدالگر جمهوری اسلامی از کردستان" - علاوه
 بر اهمیت اصولی آن - این خواست باید تکمیل
 دهنده یکی از شعارهای اساسی سازمان سراسری
 ابقه کارگر در شرایط حاضر با عده نوده های
 کارگر و زحمتکش باید با این خواست آموزش
 یافته و آن را همراه و در کنار دیگر خواست
 های مردم و منطبق کارگر از جمله خواست
 "آزادی زندانیان سیاسی" - که خود تکمیل
 نفاذی بیان و مبارزه برای اهم خواسته های
 دیگرانک مانند آزادی بیان - تشکیل دهی نهاد
 و نهاده است و سوره مبارک است و فراوان است
 ناصر چاب

بفرضه از صفحه ۴
 هموار کند. طرح و مبارزه برای خواست خروج
 قوای اخلاکگر جمهوری اسلامی از کردستان" از
 لحاظ سیاسی - عملی بدین معنات که ضد
 انقلاب جمهوری اسلامی در یکی از اذوارترین
 حبه های زنده و بالفلک و خروج انقلابی
 از نو سو و پنجمه جانی تری مورد تصرف
 قرار گیرد. و این نه تنها به بهر ترویج جنبش
 ملی کرد در کردستان کمک خواهد کرده بلکه در
 همان حال و بدرجه ای که جمهوری اسلامی
 در این جنبه عقب رانده میخوده برابط غیرمردم
 جنبش سراسری را نیز تسهیل مینماید.
 با توجه به همین اهمیت سیاسی - عملی

حزب رنجبران؛ حسابدار قسم خورده سرمایه!

اخیراً «حزب رنجبران» جزوه ای با عنوان «فلسفی بر برنامه حزب کمونیست» منتشر کرده است. «حزب رنجبران» در این جزوه فلسفی را به «اختلالات» خود با برنامه حزب کمونیست اختصاص داده و حرکات مهم مورد اختلاف خود با نیروهای برنامه حزب کمونیست را در این زمینه ها برشمرده است: «در باره انقلاب دگرگانه» «در باره مسئله ملی» «در باره مسائل جنبش کمونیستی و کارگری جهان» اما آنچه در سراپای این نوشته «فلسفه آبی» و «ده لفظ» در فصل مربوط به «اختلالات» آن «بصورت مجروره» عکاس طبقاتی و صمیمی است همین برنامه حزب کمونیست و مواضع حزب رنجبران «عکاس طبقاتی صمیمی» که حزب رنجبران از مکتبها گنایعین نام «اختلاف» بر آن نه می در پنهان داشته و فرارده و از سوی دیگر در پس هر جمله هر استدلال و تمام عبارت برنامه های «تئوریک» و با صفت از بسیاری جهات ناعلمانه گفته شده و رسوای خود به مواضع برنامه حزب کمونیست و لفظاً همین عکاس صمیمی طبقاتی را پنداشد میگرداند.

ما در اینجا نیازی نمی بینیم که به

افادات «تئوریک» حزب رنجبران در مورد سرمایه ناری ایران «استدلالات» و «برساره» انقلاب دگرگانه و «انها مات صخره» و رسوای او در باره «مسئله ملی» و «خبره» و «پاسخ» کوئیم «مارکس کم انقلابی» با اعلام جنگ به «همین نظر» برعکس از ناسوئالیسم بورژوازی، می که بیشتر مشترک انواع مختلف روزه بونوسم در ایران بوده است و تولد یافته در مبارزه

علیه آن خود را تحکیم عمیده و ما به سروری بر آن به برنامه حزب کمونیست «سبالتسه» است. در همان برنامه حزب کمونیست «نظر و موضع مارکس کم انقلابی» در مورد روزه بونوسم «سه جهان» همچنان یک جریان «سوسیالیزووانی» تحت لفظ مارکس کم و لفظ در مورد نمایندگی «آفتکار و خلقی» آن حزب رنجبران «با مراحت» و روشنی بیان شده است. علاوه بر این در «عماره فیل» «کارگر کمونیست» «رئیس آفرین» «صفت این روزه بونوسم» مواضع ضد انقلابی حزب رنجبران در «سر سرکوبی» انقلاب در «بعد» از قیام را «با قاور» شده است. از «اسرو» آنچه را در جزوه مذکور قایل «انباره» و بررسی یافتیم مسئله «انتقاد از خود» حزب رنجبران و «اعلام آمار دگر» در «مبارزه» برای «پروزی» انقلاب دگرگانه به رهبری طبقه کارگر است. و آنجا که خواهیم دید «فوت» در «منجات» که عکاس طبقاتی صمیمی همین برنامه حزب کمونیست و مواضع رنجبران با وضوح و دروغی کامل خوددعائی میکند.

از سنله «انتقاد از خود» حزب رنجبران آغاز کنیم.

در «همگلتنار» جزوه یاد شده حزب رنجبران چنین از خود انتقاد میکند: «ما محضاً در دو سال اول انقلاب از مواضع راستین و انقلابی» «همین خود» در باره ضرورت مبارزه برای «فصل» جمهوری دگرگانه خلق و ضرورت مبارزه برای «تحقیق» انقلاب دگرگانه نوین به رهبری طبقه کارگر ضرورت پختنهایی از «مبارزات» خلقی در «تحت» ایران «از جمله خلق ایران» کرد و

مردول گردیم و چهار راست روی و شماله روی
از بورژوازی حاکم و عیبتگی نسبت به جنبش
نوده ای و شماله روی از آن عدم منتهاست
با این مواضع را مورد انتقاد قرار داده ایم
مع الوفا این گذشته همچون مردگان بر سر ما
سنگینی میکند...

چنانکه ملاحظه میکنید «حزب رنجبران»
همچون مرده بر سر «حزب رنجبران» سنگینی میکند
حزب رنجبران متولد سال ۵۸ پر سر حزب رنجبران
سال ۶۲ هـ «همچون مردگان سنگینی میکند» حزب
رنجبران میخواهد خود را از بار سنگین نصی
خوبی رها سازد. اما چگونه؟ با اعلام آمادگی
و پذیرفتن ضرورت مبارزه برای تحق انقلاب
فکرانیک نوین به رهبری طبقه کارگر «معنی
چه؟ آیا حزب رنجبران برنامه حداقل حزب کمون
کمونست را پذیرفته است؟ آیا رنجبران
مخواهد بگوید و باری بعد تلبیبات کارگری
و نوده های مستقیم در مقابل جنبش
انقلابی تحت پرچم شعارها و مطالبات این برنامه
متحد و متشکل گردد؟ آیا حزب رنجبران می
خواهد کارگران مسلح کنند و در عزل و نصب
مقامات مستقلا دخالت و بزنده خود را از زیر
پار عود کنند و تهاهی آور استعمار
امپریالیستی برمانند و مطالبات خاص خود را
در برابر سرمایه و امپریالیسم به زور اسلحه
و نیروی متشکل عوی بر آورده نمایند؟ چه
بمان دیگر آیا حزب رنجبران میخواهد تا کارگر
ان با رهبری عوی و شمارها و برنامه
مستقل عوی در بسیج و متشکل کردن فکراسی
انقلابی و تحق به انقلاب فکراتیک «آن
شرایط سیاسی و اقتصادی را بنیاد آورند که به

آنان امکان بعد قدرت سیاسی را تصرف کنند
و با تشکیل حکومت کارگری ساط هم واختمار
سرمایه داری امپریالیستی را سرچینند؟
عمر - حزب رنجبران میخواهد به «مواضع
راستین و انقلابی» خود بازگردد. بگفته عود
اوه «معنی معنی همین نقد برنامه» (برنامه
حزب کمونست) را باید کوشش در این راه
تلقی کنیم - حزب رنجبران از همین «مواضع
راستین و انقلابی گذشته خود» «بربار
ضرورت مبارزه برای تحق انقلاب فکراتیک
نوین» به برنامه حداقل حزب کمونست بر عود
میکند و می بیند در این برنامه مبارکیم
انقلابی و فکراسی انقلابی و چپ و فکراتیک
را بالست «بلعبارتی» از مطالبات عام
کارگران دربارہ کاهشهاات کارگرمی نسبت
کاره و غیره گرفته است.

این نکته ه این ظاهر آشکار و صریح
مناخ ویژه طبقه کارگر در انقلاب و عوی خود
کالی است تا نیروی همین طبقه را در سر
آبله ترین بورژواها که ترک روشنی از منافع
و مواضع خاص طبقه خود ندارند و با نیرو
امپراتل نوین بورژواها که همواره منافع طبقه
عود را در برده آزاد می خواهی نیروی پنهان
مسانزده همزمانه به طرف فر آورده در مورد
حزب رنجبران نیز چنین است - حزب رنجبران
در اینجا ه نسبت در مستجاب است و اقصی عود
را که در سوابق جزوه با امانات تفویک ه
فعارات کیندی آور و بنده کوشی های امپراتل
مفاده ه می در پنهان ناغند فارده بکاره
پلور کامل باز می آید و سرمایه هیت حاجی
حاجب فابریکها به تعبیری که باید به معنی

پروزی انقلاب در کوه مبارزه متحد و متشکل کارگران است



بله " حساب به پاهان موردو حاصی صاحب لاپریک ما با منای دورگه ای فرهاد موزند: " این پروانه کارگران را نه برای مبارزه و بلکه برای بیگاری صوت میکند " کارگران به آن خواهند خمید " !!

چنین است بازگشت حزب رنجبران به مواضع راستین و انقلابی " گذشته خوب " بازگشت به عمار مواضع بهتر از نصاب آر زبان بورژوازی مورد ستایه حزب رنجبران که امروز علی الظاهر خود را بطاهر " دنیا بروی از آن ملت میکند " بازگشت به مواضع آفاهان بازرگان و زمین لر و خرکا " که از سوسی از دور برای انقلاب مسترمانه ست تکان میفانند و از سوی دیگر تمام تلاش و نیروی خود را برای هواپاشن احتمالات کارگری و پوززه اعتبار دنگران و فرودمانن چهارزات کارگری و لوت کردن مطالبات کارگری و بعضی برای ترهم عکفن شون المرات انقلاب بیکار انداخته بودند "

حزب رنجبران به این موضع بازگشته است یعنی آنکه از صف مستقیم رونیروی انقلاب از صف حکومت بورژوازی که رنجبران با اشکا به لعیرالها عبالتا در لپلی آن جای گرفته بوده به بیرون پرتاب عده و ناگوهر به جرگه " ایزوسون " هموسته است " او فراپوزیسون میخواهد برای انقلاب ست تکان دهد " اما فر همان حال و مانند هر حزب و جریان بورژوازی دنگر در ایزوسون مظهرم تمام غصوتها و مخالفتهاش هم که ممکن است با حکومت و جریان حاکم بورژوازی فاعته باعده آنگاه که حرف طبقه کارگر و مطالبات و اهداف مستقل این طبقه به میان میآید عملا و آشکار در کنار همان حکومت و همان جریان بورژوازی

مورد پسند او باعده همیت پلهورزوی ملی (پهلوان بورژوازی نوکبه موسی) را بشود مدکرده " جرگه " اثر را بیرون میآورد و با خصیت شروع به " حساب کردن " میساید " توجه کند :

- ۱- مرخصی سالانه
 - ۲- تعطیلات سالانه با احتساب دو روز مرخصی (۱۲ هفته در سال)
 - ۳- تعطیلات رسمی با احتساب وضع کمونی ایران
 - ۴- یکساعت زمان صرف غذا در روز
 - ۵- احتساب روزانه ربع ساعت
 - ۶- سواد آموزی ۳ ساعت در هفته
 - ۷- جمیع معنی یک ساعت در هفته
 - ۸- مرخصی ۴ ساعت در ماه
 - ۹- اعتبار ۲۴ ساعت در ماه
 - ۱۰- اشکال در طول یک ساعت در سال
 - جمع روز تعطیل برای مردان ۱۱۴/۵ روز کار الباقی روز کار کامل (۸ ساعت در روز)
 - ۱۱- برای زنان ۲ روز اضافه در ماه
 - ۱۲- الباقی روز کار ۱۱۴/۵ روز
 - ۱۳- برای زنان ۶ ساعت ۲۲ روز کار
 - ۱۴- الباقی روز کار ۱۰۲/۵ روز
 - ۱۵- برای زنان با و نادر ۱۱۲ روز کار (۱۱ هفته)
- تقریباً وقتی برای کار کردن نمی ماند!
- اگر این حساب را به کار روزانه منتقل کنیم عملاً کارگران در روز باید کمتر از ۵ ساعت کار کنند. پس چرا ۸ ساعت کار در روز را رفا طرح میکنند ؟ "



حاکم و همان ضد انقلاب بر قدرت فرار میگیرد. این حمله عمق آلود حزب رنجبران به سالیات کارگری یعنی حداقل برنامه حزب کمونیست و آنهم بویژه در خرابی ملی که در یکی دو ساله اخیر مبارزه بر سر ساعات کاره مقاومت در برابر افزایش ساعت کار مبارزه بر سر ساعت صرف غناه مسئله احتساب زمان ایاب و نصاب و سانسلی از این دست و مضمون منتهی حرکات و مبارزات کارگری را تشکیل داده و منتهی است سناتی جز تلافی حزب رنجبران برای تراورگرفتن در کنار جمهوری اسلامی ندارد. هر کارگری کمونیست هر کارگر پیشرو و مبارز و فعالان منتهی کارگری یعنی برای این خیل عظیم آلود حزب رنجبران همان تشکیلات انقلاب ما ان الله نصاب و "اسفالد لاجوردی" ما را مشخص میدهد که هر روز در کنار مفسر و با صاحب فایده که بر سر او فریاد میزنند باطلانگر خدا انقلاب تو کارگران را بجای مبارزه برای افزایش تولید به **بیکارگی** دعوت میکند و "کارگران ما" به رخت خواهند خندید!

اما این حمله عمق آلود حزب رنجبران به سالیات کارگران بویژه و تمام جبهه "ملایان" او بطور کلی همانگونه که از لول خود حزب رنجبران اعاده گرفته در همین حال تلافی است که این حزب بهرچ میفهمد تا خود را از زهر چهار سنگین "تشریحی حلالی کند" تمام این تلافی عبارت از این است: **حزب رنجبران آماده است در راه انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر مبارزه کند اما ما قایل از هر چیز به یک شرط** به این "شرط ساده" که طبقه کارگر هم از خود و مبارزه خود علیه شرایط های استثمار امپریالیستی انقلاب کند و از این مبارزه **بست نکند** به این شرط که **خوشبخت کارگران در شرایط مستعدان که**

صحت یا برجا بماند و کارگران در شرایط تولید سرمایه ناری اغلاق نکنند" **بیشتر** اینک کارگر-ان با مطالبات و خسارهای سنگین خود طاهر نبوده بشرط آنکه کارگران باعفتی بیش از پیش به شرایط استعمار امپریالیستی موجود چلت بزنند. و با اگر بخواهیم معنای **والصی** و **عصی** شرط و شروط حزب رنجبران را بگوئیم: بدون خود که به نام رهبری طبقه کارگر-انتهای ضدانقلابی بر آورده قدرت قرار گیرد که طبقه کارگر را هر برادر شرایط موجود استثمار امپریالیستی به زانو در آورد مخلص آنکه حزب رنجبران تاجری است که از منقسمت خود قسمت تر بگوئیم از نفع طبقه امر است برده ندارد. او لجهال و "از میخواه" است و طاهر است "رهبری طبقه کارگر" را بر لفظ تصدیق کننده و آماده است برای انقلاب دست تکان میدهد تا آنکه بتواند برای قبول شدن منافع پیروان خود به طبقه کارگر چک و چانه بزند. او "امانوست" است و از "بیکارگی" که بنا به روایات منتهی مفسر "تمام ناس ماست!" - عکوه میکند و "پنال" "بیکارگی" کارگران را مسوزاند تا آنکه بتواند به کارگران بگوید که **کامر ساعات کاره** باعث شغل کاره اشخاص در موق بیماری، صرف وقت برای غیر نافع بچه و گلاعن منقسمت ایاب و نصاب بهای ساعت کاره همه رده مردمی از کار" است و آنان را به "بیکارگی" می کشاند!

بله و با ظاهر صریح منافع طبقاتی، هر گونه لجهال مس و اومانوس پیروان رنج مبارزه آنها که این طبقه با حاد و المراد و آزادیها طبقه کارگری رویرو میفهمد که برای دفاع از زندگی و سلامت خود در برابر



شرایط مناسب و طاقتهای فراوان و سرنگنده استقرار
 اجریاییستی به حرکت در آمده و مطالبات
 خود را بر هر امر بورژوازی گذاشته است. از
 آنجا که مردم آزادخواهی و اومانسم این
 به حدتترین تمایلات دیکتاتوری طلبانه سر
 بر میآورد حزب رنجبران نیز کمپین از این در عمل
 این تمایلات حاد دیکتاتوری طلبانه خود را با ثبات
 رسانده است. اکنون با حمله ارضیه برنامه
 حزب کمونیست گوتی برای این تمدن خود را به
 حرکت در آورده است تا بر استکام پایه ای
 همین برنامه پهنه خود جبهه گذارد. تا کمند
 کند که ... برنامه های غیر انصاری و علمبر
 رفتاری که بر سر تسلط استخرنج طبقت کارگر و
 زده های زحمتکش غیر بورژوازی با برنامه
 انصاری نازنده اساس در اینجا - طلسم
 اجریاییسم و انصارات بر حیات اقتصادی
 و سیاسی کشور نهفته اند (و) وحدت منافع
 سمای افکار مختلف بورژوازی و اعم از
 انصاری و غیر انصاری، در حفظ و ایفا این
 شرایط استقرار گسترده و غنیمت رفاهت های
 دورنی آنها را تحت الشعاع قرار میدهد. *
 و نیز تا کمند میکند که: * رویه یونسم
 جهانی (و حزب رنجبران بمثابه نماینده این
 رویه یونسم بر ایران) ... منافع غربانترین

انگال ارتجاع بورژوازی است. *
 چهار سال حاکمیت مبارزان طبقاتی بر
 متن یک انقلاب عوامی و خودمختار این گرایشات
 عمیق و نوری دیکتاتوری طلبانه افکار مختلف
 بورژوازی ایران را بر عمل یونیم ثابت کرده
 است. این مبارزات حاد طبقاتی در همین حال
 رویه یونسم منطقی - جهان - نماینده
 رسمی و علمی آن - حزب رنجبران را که با
 دفاع آتش خود از سوز و آوری با مصلح ملی
 در مرصه این مبارز - ظاهر گشته بود به
 رسوائی ابدی محکوم کرده است. بعشروی بلاوقف
 مارکسیسم انقلابی و پیروزی این جریان در
 انتشار برنامه حزب و بالنتزه امر تشکیل
 علمی حزب کمونیست ایران و اکنون این مردم -
 را هم در گوش مولتی بنکان بر آورده است.
 مردم گان آزادند که به رفتن در آمدند. اما
 کارگران آگاه ایران و در پهنای آنساز
 مارکسیسم انقلابی اجازه نخواهند داد که
 این مردم گان "مغرض گین" خود را یار نمگیر
 به مبارزات خونین طبقت کارگر ایران تبدیل
 نمایند.

رما مقدم
 ن - جاوید

* و * - برنامه حزب کمونیست

با رادیو صدای انقلاب ایران
 مکاتبه کنید

ماتله و نظرات و اخبار خود را برای
 رادیو صدای انقلاب ایران ارسال نماید! بگویند
 تا عبرتگار فعال رادیو صدای انقلاب ایران
 با عهد! نامه های خود را به رادیو صدای
 انقلاب با سرامات کردن ملاحظات امنیتی به

آدرسهای زیر ارسال نماید:

- ۱ - آدرس سوئد
 P O BOX 1409
 75144 UPSALA
 SWEDEN
- ۲ - آدرس فرانسه
 C/O MM
 B P 370.16
 75 767 PARIS CEDEX
 FRANCE

متن پایه اصول و سبک کار حوزه‌های کمیونیتی انتشار یافت

و پایه همبستگی و بنا بر این مبهم و حوزه‌های حزبی را با جذب آگاه ترهین و بهترین و انقلابی ترهین کارگران در محل زیست و کار خود سازمان نهند. از همه رفق می‌خواهیم که متن پایه اصول و سبک کار حوزه‌های حزبی را در قطع‌های مختلف بازتکرار نمایند. آن را به دست همه فعالین کمیونیتی و بویژه تاسیسی رفقای کارگر برسانند و به‌طور توزیع آن را در دستور همبستگی خود قرار نهند.

گزارش‌های خود در مورد ایجاد و تشکیل و فعالیت حوزه‌های حزبی را بر مبنای پرسش - پاسخ عمومی گزارش می‌نمایند. که همسراه جزوه مذکور انتشار یافته است. تنظیم کرده و از طرف طبلتن بطور منظم دست‌ما برسانند. حوزه‌هایی که بر مبنای اصول و سبک کار حوزه‌های حزبی ایجاد می‌گردند با کسب توانایی در انجام وظایف خود سلول‌های حزب کمیونیتی ایران را تشکیل خواهند داد.

«برنامه»

حزب کمیونیتی

را می‌خوانند و در تکرار توزیع آن بکوشند

حزب کمیونیتی ایران در عرف نامشروع است. کمیته برگزار کننده گذرگه موسس حزب می‌رود تا در آینده‌ای نزدیک مطابق تقاضای عملی معین اولین گذرگه حزب کمیونیتی ایران یعنی گذرگه موسس آنرا فراخواند. بنا بر این لازم است که ما همه کمیونیتی‌ها را که برنامه حزب کمیونیتی (موسس گذرگه سوم کومل و گذرگه اول ا.م.ک) را پذیرفته‌اند و خود می‌خواهند که عضوی از حزب کمیونیتی ایران باشند به شرکت فعال در ساختمان حزب دعوت کنیم. ما این کار را کرده‌ایم. ما از همه کمیونیتی‌ها می‌خواسته‌ایم تا به شکل حوزه‌های حزبی متشکل شوند و وظایف این حوزه‌ها را از هم اکنون بپذیرند.

جزوه اصول و سبک کار حوزه‌های حزبی نوشته رفیق خسرو ناووره همراه با پرسشنامه عمومی گزارش می‌نمایند. همه همین شماره کارگر کمیونیتی متفکر شده است. این جزوه که به‌طور کمیته مرکزی ما رسیده است به سبک متن پایه است که به تفریح حوزه‌های حزبی و وظایف آنها می‌پردازد. این جزوه با همبستگی فعالیت تمام فعالین اتحاد مبارزان کمیونیتی قرار گیرد. همچنین ما انتظار داریم که با انتشار این جزوه به‌طور همه رفقای کارگر از هم اکنون مانند یک عضو فعال حزب و مسئولیت به کار فعالیت حزبی شوند و بعنوان یک

بشکل حوزه‌های حزبی متشکل شوید و وظایف آنها را از هم اکنون بپذیرید

بقیه از صفحه ۲۱

پایخ چریکها ...

۱ - ترکیب دو سازمانی که به خود نام " نیروهای حزب کمونیست " داده اند و رابطه آنها با این برنامه آنرا آن است که هرگونه نقد جدی و همه جانبه از روند پمپایی این برنامه و قبول آن بعنوان برنامه حزب کمونیست را غیر ممکن میکند. " نیروهای برنامه حزب کمونیست " میارند از سازمان انقلابی رحمتکنان کرستان ایران (کومه له) که بعنوان یک سازمان ملی و دربراپه زندگانی با مقاومت مسلحانه عملی کرد و در بعضی از کرستان ایران که عمده شامل مناطق روستایی است نیرو و نفوذ قابل ملاحظه ای دارد که عمده بصورت نیروی پهنسنگ متشکل از روستاییان آن و بقنان و اعیان کارگران و قدردان رزق آنها متجلی میگردد. این نیروی پهنسنگ و مبارزه مسلحانه آن در کرستان به حق عامل اصلی اعتبار کومه له بوده و در عین حال سازمانی این نیرو از طرف کومه له خدمت عملی بزرگی را از طرف این سازمان به جنبش خلق کرد و از این طریق به جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران است و ولی در عین حال این سازمان از پمپ پمپایی عموماً همواره فاقد استقلال تفویض کرده و در این مورد همیشه به سازمانهای دیگر مراجعه کرده است.

کومه له کار نقد این برنامه را با این اشکال رویو میکند که ملحد نمیتواند رابطه این برنامه با پراتیک مبارزاتی زنده رانده پمپ کرده و چگونگی پمپایی و تحول آن را در رابطه با این پراتیک بیان نقد و نقدی که نتواند به این حوزه وارد شود نمیتواند یک نقد جدی و همه جانبه باشد.

۲ - " برنامه حزب کمونیست ایران " عمده با آنجا که به سازمان کومه له مربوط شده در شرایط پرکناری کامل از یک مبارزه اپتولوژیک خلقی و تنها با یک انتقاد محدود و کم ناسه صرفاً نظری این سازمان و نگاه نظرهای قبلی خود که بیشتر از سازمان پمپا اخذ کرده بودند پذیرفته شد و مثلاً نقدی که خود ما از دیدگاههای چند کومه له انتشار دادیم یا بی اعتنائی و کوتاهی کامل این سازمان رویرو گردید. چنانکه از پمپایی بیشتر شماره ۴ بررسی آمد بهرامون این برنامه حتی در مورد خود کومه له نیز مبارزه اپتولوژیک لازم صورت نگرفته است.

۳ - بی از قبول برنامه از طرف نیرو - های برنامه حزب - برای تبلیغ این برنامه و جزئی که باید بر اساس آن تکمیل شود این " نیرو " ما بندهای دست زده اند که با تبلیغات کمونیستی همگروه عیاضی ندارد در کشور دوستانیهای " کومه له " و تعلق گیمپهای " اتحاد مبارزان " از کومه له ملی از گراف گوتی و مخالف بهرامون اهمیت " تاریخی " و " جهانی " جزئی که هنوز حتی روی گاند هم بوجود نمانده جاری است و بیاز آنکه یک تحلیل متعصب جارگاه وافس این حزب و نقیض احتمالی آن وظایفی که پمپه خواهد داشت و مشکلاتی که احتمالاً با آن مواجه خواهد شد بررسی کرده معائنات بسیاری از انتشارات این

سازمان دیگری که همروهای برنامه حزب " از آن متشکل است سازمان " اتحاد مبارزان کمونیست " میباشد که بدلور کلی یک سازمان روشنفکری بوده و فاقد هرگونه پراتیک انقلابی میباشد. ترکیب این دو سازمان با یکدیگر و قبول برنامه ای که ایضا از طرف اتحاد مبارزان کمونیست تنظیم شده از طرف



سرمایه داران سرمایه وسیع کارگساران
ست = ۰

۶- در صورت عدمی شدن برنامه حداقل
پرولتاریا "اولا بورژوازی معدوم طبقه سلاطین
در نواد باقی میماند (بند ۱۱ برنامه حریب
کمیونست) و بورژوازی ایکه در واقع طبقه
بند ۱۲ " برنامه " بسزى نیست حر - بورژوازی
انحصاری و غیر انحصاری - که عملا در مقابل
زحمتکاران تعداد خود را کنار گذاشته اند و
تاها طبقه پاراگراف مربوط به برنامه ارضی
(در " برنامه حزب کمیونست ") بهرگز سلسله
ارضی مضمون انقلابی نکرانک را
تشکیل نمیدهند. نتیجه ایکه از این امر گرفته
میشود این است که در روابط تولیدی اساسا
هیچگونه قدهمیری حاصل نمیشود و آنچه در بند
۱۴ بعنوان مضمون اقتصادی برنامه حداقل
پرولتاریا ذکر شده جز عبارات مبهم و

نامشخص چیزی نیست " نفی عملی سلاطین امیرها -
لهم بر شرایط زیست پرولتاریا در وضعیت
که بورژوازی امپریالیستی با نام "بورژوازی
انحصاری و غیر انحصاری" در مالکیت ابزار
تولید است و چه مفهومی دارد و چگونه ممکن
است چنین کاری در چنین وضعی صورت گیرد؟

۲- آنها اگر واقعا به آنچه در بند ۱۴
در مورد " نفی عملی سلاطین امیرها" هم
زندگی نوده های زحمتکش گفته شده و بخواهم
در زمینه روستاها عمل کنیم و آنها نفی این
سلسله حل سلسله ارضی را بکنار دیگر و این
بار نه بسود بورژوازی امپریالیستی و بلکه
سنتج نوده ها و حقانی مطرح نمیکند و آنچه را
به " مضمون اقتصادی یک انقلاب دمکراتیک -

" سروها " به نفع و سناهی کودکان این
سرمایه و حزب آن احتیاط یاد شده و از بعضی
اعلام شده است که هر کس آنرا بندهد و
حداقل از بورژوازی است که جنم نفس پرولتاریا
را ندارد و سلم است که در زمین معطلی از
سالمه و معامله میخوان به هیچ سلسله جدی
بویزه مسائل دنیوی که چنین کمیونستی ما با
آن روبرو - بطور جدی پرداخت.

۴- تا جایی که بعود برنامه مربوط
استه بیزرگترین نمر این برنامه نه در آنچه
بهمان میکند بلکه در آن بهر هائی است که
بچار کرده است و برنامه ای که راه روشن
به هدف نهائی را که ارائه میکند و نشان
نمده اساسا نمیتواند نام یک برنامه کمیونستی
را بعود بگیرد و در این برنامه از این راه
و عود مبارزه کلمه ای هم سخن گفته نشده
است.

۵- گر چه در مقدمه برنامه آمده است
که : " وظیفه حزب پرولتاری برنامه پسروازی
برای نوسازی و اصلاح سرمایه داری و موصله
خوانی برای سرمایه داران در باره بهبود وضع
کارگران نیست ... بلکه سازمانی مبارزه
طبقه پرولتاریا و رهبری مبارزه در تمام
وجود است " و برنامه نیز با نومه
عمومیات سرمایه داری بطور کلی و لزوم انقلاب
سوسیالیستی آغاز میشود (در اینجا کاری به
سخت و وقت این مطالب نداریم) - عاهد بهترین
نومیف برای این برنامه آن باشد که بگوئیم
چیزی جز " برنامه پسروازی برای نوسازی و
اصلاح سرمایه داری و موصله خوانی بسروازی

پرولتاریا با جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران!

تبدیل نمی نماید ؟

۸ - اگر واقعا منظور که = بند ۱۱ اعلام صادر - برنامه حداقل پرولتاریا هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی برآمده ای شد امپریالیستی - بوده و همانطور که بند ۱۲ میگوید در این مرحله به علت تحت سلطنتی - دیگر تودمهای زحمتکش این قیامت را نمانند که در کنار طبقه کارگر به مبارزه انقلابی کشیده شوند - چرا تضاد اصلی این مرحله با توجه به همین ماهیتند امپریالیستی مبارزه وجود دیگر تودمها در کنار پرولتاریا - شرح نقشه است و با يك الكوبریاری مکانیکی و اعلام اینکه - در ایران فقط همین کشورهای سرمایه داری (بند ۱ برنامه عملی - کمونیست) مطالب کلی عنوان میشود که به مجموعه خصوصیات نظام تولیدی و مذهبیهایی سیاسی ایران را منعکس نمیکند .

۹ - برنامه وجود نظام سرمایه داری (بند يك) و همچنین امر تحت سلطنتی را (بند ۱) میپذیرد هر چند که از مدار مسردن اصطلاح لنینی و روشن - است - در مورد این نظام - خودداری میکند - و لسی عمل بجای آنکه به تشریح خصوصیات این نظام سرمایه داری تحت سلطنت که از هویت ویژه برخوردار است - بپردازد اینجا خصوصیات نظام سرمایه داری را بطور کلی برمیشارد (باز هم تاکید میکنم که مثلثت و وقت ممالکی که در این مورد آمده مورد نظر ما نیست) و پس بطور کلی آثار تحت سلطنتی را جداگانه برشمرد و به آن اضافه میکند در حالیکه نظام سرمایه داری تحت سلطنت با معنی دقیقتر وابسته و نظامی است که بینا متفاوت و نمیتوان آنرا حاصل جمع سرمایه داری و تحت سلطنت دانست و هر برنامه ای درباره انقلاب ایران باید کار

خود را از تشریح خصوصیات همین نظام سرمایه داری - تحت سلطنت - با بشارت دقیقتر و ابعاد آماز کند - آنچه معلوم میشود که چرا باید - برنامه حداقل پرولتاریا - به سبب از لحاظ اقتصادی و سیاسی ، بلکه همبسی از لحاظ نظامی و فرهنگی نیز ضد امپریالیستی باشد و آنگاه معلوم میشود که چرا به تنها مسئله ارضی و بلکه ملیع بند سوز و آزی امپریالیستی در داخل کشور نیز مضمون اساسی - برنامه حداقل پرولتاریا - را تشکیل میدهد و فقط با تعدی همین مضمون اساسی است که میتوان به - نفی عملی سلطنت امپریالیسم بر شرایط ریاست پرولتاریا و تودمهای زحمتکش و نهیست - تامل آمد .

۱۰ - اگر دولتی که بر سر کار است از سوز و آزی ملیع بد نکند و برنامه منحصی جهت حل مسئله ارضی بفتح دعایان سفارته باشد و آنرا جداگانه از این برنامه سرچاید به جهان خود بخودی امور واگذارند ، از کما معاوم میشود که این حکومت - جمهوری انقلابی کارگر - ان و دعایان - است - برنامه این سازمانداری را از کما بست آورده است ؟ آیا اگر دولتی بر سر کار آید و من حفظ مالکیت سوز و آزی امپریالیستی بر ابزار تولیدده هیچگونه برنامه ای هم برای حل مسئله ارضی نداشته باشد و در عهد حال خود را جمهوری انقلابی کارگران و دعایان بخواهد ، خود را مایه محکمه همگان نکرده است ؟

۱۱ - برنامه همانطور که قبلا گفتیم در مورد راه و اصول به جمهوری انقلابی کارگران و دعایان کاملاً ساکت است و وقتی در مقدمه برنامه حداقل - جمهوری دیکراتیک انقلابی - را - نتیجه قیام و مبارزه فخر آمیز تودمها میداند - صرفاً بی اطاعتی کامل خود را از حقیر



سرتنگون میکنند لغت کارگران و معانان را
بها میکنند ولی هنوز خود نه تو. معاً را مسلح
کرده و نه نیروی منظم مسلح نوده‌ای را بوجود
آورده ؟!

۱۲ - بهر حال اینها همه استفاده‌ای
نمیکند که به این برنامه وارد است.

۱۱ - اساساً استفاده به مواد اساسی
برنامه در اینجا بهیچوجه مسئله اساسی را
تشکیل نمیدهد و از هیچ‌گونه اهمیت تشویریک و
عملی برخوردار نیست.

۱۰ - مسئله اساسی برخورد با این امر
است که چرا حکومت "۳ اتحاد مبارزان" با طرح
یک برنامه بورژوازی و رادیکالیستی بنام
برنامه حزب کمونیست و ادعای اینکه براساس
این برنامه حزبی تشکیل خواهد شد که "سر
سروشخت جنبش کارگری و کمونیستی ایران" و به
این اعتبار ولعیت و آینده تمام سازمانهای
که خود را در این جنبش سهم میدانند تا اثر
سنتظم و تعمیم‌کننده‌ای نارد. "به بحثهای
نوعی و انحرافی در فرود جنبش کمونیستی فارس
میزندد و با نسی همه چیز و همه گس‌سی در
سطح ساعتی و اتمات وجود خود دارند.

۱۱ - بنظر ما اگر تشکیل این حزب در
سروشخت‌گانی "تا اثر سنتظم و تعمیم
کننده‌ای" فائده بآید همانا بر سروشخت
همین دو زمانی است که به خود نام "برنامه
نیروهای حزب" داده‌اند آنها با تشریح حزب
خود بر اساس این برنامه و با این عضو
تبلغی که در پیش گرفته‌اند خود را به نحو
درناکی از جنبش کمونیستی ایران منروی می
کنند و چه بسا که بدینسال این برنامه بورژوا-

سازده و واگذاشتن آسرا به جریبان خودبهدوی
امور آشکار می‌کنند. "لهاج و مبارزه لیسر
آمیژ" آنها تمام خود هکلی از مبارزه لیسر
آمیژ نیست؟ این عبارت سبب همواره اشکال
سبازده به اینصورت مطرح معهود تا هم تمام و
هم حدک نوده‌ای ملولانی را عامل خود ولی در
عین حال صهییک از آن تو راه ترمیح نکند.

۱۲ - این ابهام در عکس مبارزه براساس
برنامه آثار خود را ظاهر می‌کنند و در حالیکه
در بند ۱۱ از "نرم شکستن دستگاه دولتی
بورژوازی" نظامی بورژوازی سخن گفته
میشود در بندهای ب و ج زهر عنوان ارکان
جمهوری دمکراتیک "برچیده عین ارتش و سایر
نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا از مردم" و
"برچیده عین بورژوازی دولتی مافوق مردم"
و در بند ۲ از وظایف جمهوری دمکراتیک
تشکیل یک نیروی مسلح منظم به عنوان بخشی
از تسلیح عمومی مردم "را اعلام مینمایند."
اکنون باید پرسید دولتی که هم باید ارتش و
بورژوازی را برچیند و هم باید نیروی منظم
مردمی را بوجود آورده خود بر چه قدرتی متکی
است؟ اگر نوده‌ها از قبل ساحند و به کمک
همان نوده‌های مسلح است که دستگاه بورژوازی
و نظامی بورژوازی در هم شکسته میشود پس
چرا امر تسلیح نوده‌ها بعنوان برنامه اصلاح
میشود و کافی بود که برنامه وجود این
نوده‌های مسلح را قانونت بچند و اگر چنین
نیرویی وجود ندارد چگونه برنامه "جمهوری
دمکراتیک انقلابی" را "واقعاً" تمام و مبارزه
قهر آمیز نودوما" مینانند. آن چه تمام و
مبارزه لیسر آمیزی است که لغت بورژوازی را

سرتنگون بان رژیم جمهوری اسلامی

و فریستی و سرانجام از این جنبش خارج شده و به بورژوازی پیوستند.

۱۷ - ما مضمونا به سازمان کومله که بعد به اکثر حرکت در مقاومت مسلحانه غلبه کرد و مورد احترام ملت و جناح آذربایجانی های پیشروگان فاعلی الهام بخش نیروهای

مبارز ایران میباشد و توصیه میکنیم که نحوه برخورد با مسائل جنبش کمونیستی را رعایت کرده و فعالتی برای حل واقعی این جنبش به میدان مبارزه ایندولوزیک جدی وارد شود.

با یار

توضیحات کمیته برگزارکننده در پاسخ به قلعه جریکهای فدائی خلق ایران

رئوس اختلاف نظریه های برنامه ای و تاکتیکی موجود را بیان کند و نوم پندهای که طی آن ناشی آگاهانه برای تحقیر و تحقیر سازمانها کومله و اتحاد مبارزان کمونیست و سناورد های نا کمونی آنان صورت گرفته است.

در مورد پندهای تشویک "پاسخ" به چند نکته اشاره می کنیم: اولاً، بر خلاف ادعای جریکهای فدائی خلق ایران، برنامه حزب کمونیست یک برنامه خلق ایستاد و حصول یک گروه روشنفکری نیست، بلکه حاصل و چکیده مبارزه ایندولوزیک گذشته ای در سطح جنبش کمونیستی ایران است. اگر سکنارسم و نبود مسئولی سنتی طرف جریکهای فدائی خلق و مسئولیت فاعلی انتصابات مختلف این طرف بر سر تعیین و ارتقاء هر چه بیشتر اولان اولیه ملی مبارزه مسلحانه و نیز احساس "بی نیازی" کامل این طبقه از تشویق انقلابی و جریکهای فدائی خلق ایران را کاملاً از رخدادهای مهم چهار سال گذشته جنبش کمونیستی ایران بی اطلاع گذاشته است. این مشکل خود آنها و مایه ناسف ماست. اما مجموعه ادبیات ایندولوزیک و سیاسی مارکسیسم انقلابی ایران

اولین نکته ای که در نامه جریکهای فدائی خلق ایران جلب نظر میکند این پندهاست که گناه آمیز و طبعاً ناموجه مقدمه نامه است که طی آن جریکهای فدائی خلق ایران خواستار انتقار نامه خود در طرف مدت یکماه شده اند. ما همواره خواستار برخورد علمی افکار و عقاید در جنبش کمونیستی بوده ایم و همواره تحریکهای متحرک را به اظهار نظر علمی درباره سوانح و فعالیت خود دعوت کرده ایم و برانیک سازمانی کومله و اتحاد مبارزان کمونیست در چهار سال اخیر به خودی خود برای هر کسی که از پندها و پندهای مرسوم رنج نبرد و گویای این واقعیت است "بنا بر این پندها است که هدفی که خود ما علناً نامهای به نیروهای مختلف جنبش و خواستار برخورد علمی آنها هستیم و طبعاً پاسخ های رسیده به آن را نیز منتظر می کنیم و نیازی به اظهار نگرانیهای گناه آمیز و اولتیماتومهای کوفتانه از جانب جریکهای فدائی خلق ایران نیست.

اما ۱۷ بند پاسخ جریکهای فدائی خلق ایران را بطور کلی میتوان به دو بخش اصلی تقسیم کرد. اول پندهای تشویک که کومله است

در این چهار سال ه بیوزنه در بررورد به پایه های اقتصادی و سیاسی انقلاب حاضر و انحرافات پایه ای جدید کمونیستی ایران بختوانه تئوریک بر برنامه حزب کمونیست را تشکیل میدهد و انعکاس بیابریزه حاد و تحول بعضی است که در خارج از ذهنیت فرآکمونیهایی مختلف فدائی خلق در جریان بوده است. ما هر یکپای فدائی خلق ایران را که لفظ به این مجموعه وسیع ادبیات ه بلکه به مباحثات گسترده فزون سازمانهای تئوریک و همکاره رزمندگان ه وحدت انقلابی ه رزم انقلابی و نظایر آنها رجوع مینمایم. هر ناظر مطلع و خطیبت جوتی میتواند نظیر همزاران فعال سیاسی سازمانهای فوق ه تاثیرات عمیق فعالیت مارکس کم انقلابی را مشاهده کند. فاده بالا انداختن هر یکپای فدائی خلق ایران و اظهار اینکه - اساسا انقلاب به مواد این برنامه در ابتدا بهیچوجه مشله اساسی را تشکیل نمیدهد و از همگروه اهمیت تئوریک و عملی بررورد فار نیست - نمیتواند با تأیید عبود بررورد سهل انگارانه و غرور بورژوازی ه سال قبل همکار و رزمندگان به تئوری بطور کلی و بهر رویه های نظری مارکس کم انقلابی ایران بطور اصرر نباشد. اغلب ماندگی و جسود این عبود بررورد برصحت در تجربه خود همین سازمانها به ثبوت رسیده. همینجا ائزم است اشاره کنیم که به این ترتیب ما نمیتوانیم این گفته هر یکپای فدائی خلق را یک لجبازی عبودانه سهاده تلقی نکنیم که تشکیل حزب کمونیست بر سر نوبت سازمانهای مدنی کمونیسم و از جمله هر یکپای فدائی خلق ایران پس - حاضر و یا کم تاثیر خواهد بود. چگونه

سازمانی که قطعا از وجود آمدن يك فرا کميون كويك جسد و با اقدام دو فرا کميون موجود در طرف فدائي خلق پشت تاثير مهيمنتر مي - تواند ايفا کند که از آرا بر حوزي هزاران کمونيست انقلابي در سطح کشور تاثيري نخواهد بغيرت؟ چگونه چنين سازمانی ميتواند ايفا کند که تشکیل يك حزب کمونيست که کومله ه با همان اهميتی که خود رفقا از آن محسوس ميگويند بعضی از آن است ه حزبی که مواضع روعنی در نيال مسائل انقلاب و نبردهای سياسي مدنی مارکس کم اعلام و انقلاب ميکنند ه حزبی که ماحصل تحولات يك بغير وسع جنبش کمونيستی ايران در ا سال گذشته است (و انفعاليت سازمانهای همکار و رزمندگان و وحدت انقلابی و بهويستن بعضیها و همسای از آن به برنامه حزب گوشه ای از اين تحولات بوده اند) ه بر فعاليت و دورنمای او تاثيري نخواهد گذاشت؟ آیا براينی اين افعال عبود عما و رفقای سازمانی شان را صاحب ميکنند؟ تايباه نکات تئوریکي که در "باسخ - مطرح شده اند تماما در گذشته به تفصيل باسخ گرفته اند و هر یکپای فدائی خلق ايران اگر واقعا و صميمانه خواننده روشش خلق اعتقالات تئوریک و برنامه های موجود بولتند ميتوانستند به جزوات و مقالات متعددی از کومله و اتحاد مبارزان کمونيست رجوع کنند و لافل استدلال ه پخته تر و محکمتری در نقد مواضع ما و دفاع از نظرات عبود ارائه کنند. ما يگاه مشله ارضی در انقلاب ما ه محتوای اقتصادي انقلاب حاضر و مطالبات حداقل ما ه

پروزياد جنبش انقلابی خلق کرد



با معای لطفاً جمهوری فکراتک انقلابی و
 کمونیا سرمایه داری در کشور تحت سلطه
 امپریالیسم و عویمهای مبارزه کمونیستی و
 جایگاه و اهمیت مبارزه لبر آیمز تونوما
 سنده صلح توده‌ای و سایر نکاتی که در
 "پاسخ" مطرح شده‌اند هر یک در مفصلی موضوع
 مباحثات جنسی‌ای در جنبش کمونیستی ایران
 بوده‌اند و پرناسه حزب کمونیست بخصوص در این
 زمینه‌ها به متون تفصیلی اثباتی و جدلی
 متعددی متکی است. کمیته برگزار کننده طبعا
 وظیفه و مجال ترمیم مجدد این مباحثات را
 برای جریکهای فدائی خلق ایران ندارد. اما
 ما بجز حال کمیت‌های از اتحاد و متون
 تشویک به برنامه‌ای و سیاسی گویا و اتحاد
 مبارزان کمونیست را برای جریکهای فدائی
 خلق ایران ارسال خواهم کرد و خواهان آنیم
 البته بدون هیچ کنایه و اولتیماتومی که
 رفا این متون را برای غافلین بجهت حزب
 که هر آینه نزدیک تکمیل معبود بدلت مطالعه
 کنند.

ما از اینکه جریکهای فدائی خلق ایران به
 بجای تکیه بر مریز بندی اصولی با کومه له
 اتحاد مبارزان کمونیست و پرناسه حزب
 کمونیست ترجیح داده‌اند به شروندهای مبتدلی
 لبر که از دهرها در جنبش باصلاح کمونیستی
 ایران مانده مارکسم انقلابی ایران رواج
 دارد متوسل شوند عمیقاً متأسفم (بویسوه
 رجوع کنید به پنجاهی ۱ و ۲ و ۱۵ و ۱۶ پاسخ)
 برای مثال تویل به ترجیح بند کیده کومه له
 که سازمان ملی - فدائی و ا.م.ک.ک.گروه
 و متفکر است - امروز به وجه مشترک مخالفین
 ردگار رنگ پرناسه حزب کمونیست از رده‌سیران
 نا راه کارگر بدل عده است و جریکهای فدائی
 خلق در تکرار طوطی وار این ترجیح بند مبتدل

امیرایان فابل احترامی ندارند. جنگ ابداعی
 به این مبارزات مستعمل برای جریکهای فدائی
 خلق (که بویسوه خود نه از نفوذ سراسری یا
 منظمه‌ای برخوردارند و نه در عرصه مبارزه
 نظری - فکر و معنی - ناغته‌اند) اینها تعقیبا
 با مبارزهای انقلابی و بلکه حتی با مبارز
 های مکتورستی رایج نیز قابل توجه نیست.
 جریکهای فدائی خلق می‌بازند که خود را نا هر
 صلح که بخواهند تزلزل دهند. ما منتقدیم و
 این اعتقاد را بارها در عمل اثبات کرده‌ایم
 که سلاک اصلی اعتبار نیروهای سیاسی قبل از
 هر گونه ملاحظه کمی و نظایه ابعاد تفکراتی
 اصولی بودن مواضع سیاسی اساسی و تسلط
 طبقاتی آنهاست. اما به هر حال اگر واقعا
 کسانی در این سازمان هستند که اینگونه
 عبارات را پیاوردند و نظایه های کمی
 منقله جنسی آنهاست و می‌شوند با یک مقایسه
 عملی بین حق و نامنه براتیک و اجماع
 تفکراتی تفکیکات فارغ از کرفسان کومه له و
 اتحاد مبارزان کمونیست در جریکها و کارخانجات
 مختلف کشور در چهار سال اخیر با مجموعه
 فعالیت جریکهای فدائی خلق ایران و از این
 ابهام خارج شوند جمع خود را بر واقعیتایی
 که در پیرامون آنها متکثرد باز کنند و بهر
 نهنسگری لرقهای و انزوا ی سیاسی - عملی خود
 از بعضی وجهی از کمونیستهای فعال کشور
 فابل آیند.

جریکهای فدائی خلق ایران در خانه از
 کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست خواسته‌اند
 که از نامن زدن به بظهای لرمی و انحرافی
 (نظیر منقله تکمیل حزب کمونیست ایران)
 در جنبش اجتناب کنند و به ویژه از کومه له
 دعوت کرده‌اند تا فعالیت برای عمل واقعی
 سائل جنبش - به مبارزه امپتولوزیک ضد

ملوف مارکسهای انقلابی ایران تحت پرچم حزب کمونیست با این مکاتبه آغاز شده و با آنهم به پایان نرسید. قطب بندی همی اینک در جریان شکل گیری است. همراه با تفکیر حزب کمونیست مخالفین روزهیونست ما نیز میگویند حول پرچم واحدی گرد آید. - جریمک - های فدائی خلق ایران امروز با لادستی و تظاهر به بی تفاوتی نسبت به این بویه خیال خود را راحت میکنند. اما دیر یا زود ناگزیر به انتخاب خواهند شد. اتخاذ تصمیم درست و انقلابی در لحظه تعیین کننده ای که پیر حال فراخواهد رسید در گرو فراتر رفتن از جنبش برعوردهای سطحی و کوشش خردانه و موشکامری فعال اینستولوزیک و سیاسی در قبال مسائل اصلی و حیاتی جنال مارکسسم با روزهیونسم و اپوزیونسم در ایران خواهد بود. - ما جریمکهای فدائی خلق ایران را به گام برداشتن در این راه دعوت می کنیم.

کمیته برگزار کننده گذرگه موسس حزب کمونیست ایران

۲۲ / ۸ / ۲۱

وارد خود. مجموعه موانع و مملکتهای گمراه و اتحاد مبارزان کمونیست در برعورود به - مسائل واقعی جنبش - در ایجاد برنامه های و تاکتیک و تفکیراتی روشن تر از آن است که از چشم جریمکهای فدائی خلق عبور مانده باشد. و این وظیفه کماکان بر دوش جریمکهای فدائی خلق ایران است که سر از لاک خود بیرون آورده جنبش کمونیستی را در کلهت آن بچینند تحولات آنرا بیندازند و از احساسی و عملی عویس را از محدوده کشمکشهای عادی در نرون مانده از هم گسسته جریمکهای فدائی خلق تقسیم و تفسیر میکردیم. اولیه نبردهای سیاسی مبارزه مسلحانه تر است بجزند. بعد انقلاب و بعد سیاسی طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر این را از هر کسی که خود را کمونیست و معتقد میدانم طلب میکنند.

کمیته برگزار کننده بنا بر وظیفه خود پاسخ جریمکهای فدائی خلق ایران را بنسوان موشکامری همی این سازمان در بند تفکیرک حزب کمونیست به گذرگه موسس ارائه خواهد کرد. اما مبارزه ما برای وحدت تعیین شده

پاشی و کار کمونیست مکاتبه کنید!

نامه های خود را از هر طریق که مناسب میدانید به این نشانی برای ما ارسال دارید:

BOX 3023
14303 VÄRBY
SWEDEN

با توجه به کنترل پلیسی دولت اسلامی و لزومت از نوشتن نام و فدائی خود و پلوسر کلی هر گونه اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد و یا ساکن آنها از طرف پلیس عبورده و ناسخا و روی پاکتها خودتاری کنید. همچنین



را بدست کارگران برسانید

بهتر است برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بخت ما از هر نامه دست کم دو نسخه مطرر جنا گانه ما ارسال دارید. مطرر فریاد نامه های شما هستیم.

پیام هفت تحریریه "کارگر کمونیست" بجانبت سالگشت آغاز بکار "رادیو صدای انقلاب ایران"

انقلابیون و کارگران آگاه و مبارز کشور، هم نام خود آنان فعالیتش سلطان را نسو صدای انقلاب باشند. و با همیشی مبارز بسفر بکشند تا "صدای انقلاب" بر همه خانهها و خانواده های کارگری و تو همان تمام مردم نفع آزادی و دیکراسی جای خوبتر را باز باید. در خانه بار دیگر سالگشت آغاز بکار "رادیو صدای انقلاب" را غایبتر میگوئیم. امیدواریم که صدای انقلاب ایران در این سال تازه فعالیتش هر چه بیشتر صدای گسترش مبارزه متضاد کارگران و نوده های تحت ستم و صدای پیروزی جنبش حق ملتانه خلق کشور و صدای انقلاب پروتانی گردد که اعتنای ساه و عنوان جمهوری اسلامی را همراه کلیت این رژیم هار و سرکوبگر از بدج و بس برخواهد افکند!

نامود باد اعتنای عنوان جمهوری اسلامی!
زنده باد انقلاب!

هفت تحریریه کارگر کمونیست
۱۳۶۷

رادیو صدای انقلاب ایران

طول موج :

۴۱ متر برابر با ۲.۳ مگاهرتز
۴۹ متر برابر با ۶.۸ مگاهرتز
ساعات پخش :

بعد از ظهر ۱۲:۴۵ تا ۱:۳۰ بزبان کردی
۱:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
عصر ۴ تا ۴:۴۵ بزبان کردی
۴:۴۵ تا ۵:۱۵ بزبان فارسی

سالگشت آغاز بکار "رادیو صدای انقلاب ایران" را به تمامی کارگران آگاه کشور همه "ما زمان انقلابی و محنتکار اردستان ایران" (کومله) هر چه کارکنان "رادیو صدای انقلاب" صمیمانه تهنیت میگوئیم. در این نخستین سالگشت "صدای انقلاب" و همچنین گرم تریش نیروهای خود را به نوبه بیشترگان دلبر کومله تقدیم میباریم و قهرمانان هار سر کلی که بهما هم خلق روزنده کرد با دفاع از موجودیت انقلاب و به بسی و نجات ساه قهرمانها و ساه آفرینش های خوبتر مسکی ماغند تا صدای انقلاب ایران صدای جنبش پر خلق کرد و صدای کارگران آگاه و انقلابی کشوره در لئای اعتنای سرگبار جمهوری اسلامی خود امید و روشنی بدهد.

"رادیو صدای انقلاب ایران" طی یکسال فعالیت خود صدای خوبتر را بر زندگی و مبارزه نوده مردم تو کورستان انقلابی باز کرده است. در خارج از کورستان نیز امروز دیگر قدر و منزلت "رادیو صدای انقلاب" بر هیچ کارگر آگاه و هیچ لود مبارزی پوشیده نیست. در اوضاع اعتنای عنوانی که جمهوری اسلامی بر سراسر کشور گسترده است. در اوضاعی که نمره های گوی خراش معانقلاب همه جا را بر کرده است. بسمن "صدای انقلاب" حتی از برای تمام اعتنای انگلیس های رژیم و خود به نقطه امده دلگرمی و مشوق روزانه سرحت تریش انقلابیون و حسکی ناخوبتریش مبارزان جنبش کارگری و انقلابی بدل گفته است. در اینجا بجای می بینیم که از این

پاسخ به نامه ها



رفیق! هر چند اند:
به نمره های جز

کومه و اتحاد مبارزان کمونیست در تکمیل
حزب کمونیست ایران حرکت کرده اند؟

قبل از پاسخ به سؤال رفیق، توضیحی
در مورد چگونگی همیون نمره های دیگر به
برنامه حزب کمونیست و مبارزه برای تکمیل
حزب کمونیست ضروری است.

همیون نمره های دیگر یعنی کومه و
اتحاد مبارزان کمونیست به مبارزه برای
تکمیل حزب کمونیست امری نپوده است که هر یک
قوت و حلا با فراخوان تکمیل کننده
کلیت آن صورت پذیرد هر یک دو سال است که
اتحاد مبارزان کمونیست و بعد کومه مبارزه
برای تکمیل حزبی کمونیست را فاسد
وده اند و گمانی را که باید در این راه
پرهیزت یکی پس از دیگری حلا به هر یک
شود را کمونیست نامیده است. اعلم کرده اند.
این دو سال در عین حال صافشها پیوسته
اشمک از زمانهای بیولمستی بوده است و
لذا همیون نمره های دیگر به برنامه حزب
پنجمی با قیله بافتن ایران در فزون این
سازمانها گره خورده است. رزمندگان منصوب
و متعلقه و پهنائی از سازمان رزمندگان
به مارکسم انقلابی همیونده و حجت انقلابی
متعلقه و پهنائی از آن مستقیما به کومه
و اتحاد مبارزان کمونیست روی آورده
همکار منصوب و متعلقه و عینا همین اتفاق
همیونده یعنی از فعالین سازمان بیکار افتاد.

به این ترتیب در طول این یک سال و نیمه
اساسا فراکمیونهای انقلابی و کمونیست این
سازمانها که حرکت رفتن بار بیولمست یعنی
با عزم و انطالق طلبی و آگاهیم را
نیز رفتند به ما همیونده که آخرین مورد
آن همیون سازمان کمونیستی همکار به ام. ک
بود. در کنار همیون اینگونه فراکمیونهای
نسبتا سازمان یافته و دائما عناصر و مسائل
فعال سازمانهای لوی و نیز سازمانهای دیگر
چنین همیون ایران بطور کلی همیون مثله به
کومه و اتحاد مبارزان کمونیست همیونده.
گرچه این عناصر و مسائل تنها به سازمانهای
موسوم به خط ۲ محدود نموده اما بعضی
آنها را نمره های متعلقه به این طرف تکمیل
همیونده.

امروز در ملوک کومه و ام. ک
تعداد زیادی از فعالین
کامرا و با حقی عناصر مرکزیت همیون
رزمندگان و وحدت انقلابی و مردم انقلابی و
نمکران حضور دارند و ملوک مارکسم انقلابی
را تقویت کرده اند.

به این ترتیب همیون نمره های دیگر به
برنامه حزب و مبارزه برای تکمیل حزب
کمونیست عملا از طریق همیون این رفا چه در
عکس سازمان یافته و فراکمیونی و چه همیون
عناصر و مسائل منفرد به دو سازمانی که در
پهار ۱۱ برنامه حزب کمونیست را رسما تصویب
کرده یعنی کومه و اتحاد مبارزان کمونیست
سورث گرفته است.

با توضیح لوی در پاسخ سؤال شما اساسی
نمره های دیگر را که از طریق همیون خود
به کومه و ام. ک در مبارزه برای تکمیل
حزب کمونیست همیونده است. به شرح زیر
همیونده:

۱ - از سازمان زبندگان

در نیمه دوم سال ۵۹ سازمان زبندگان چهار بهار برگزار کردیم و در بهار ۶۰ پروژه انضباط و انضباط در این سازمان آغاز شد. بعضی از زبندگان از سازمان زبندگان بطور متعطل به نیروهای پرنامه حزب پیوستند.

الف - بعضی از سازمان زبندگان به تمام فراکسیون مارکسیستی انقلابی (هوا فار ا.م.ک) که در شماره زبندگان کمونیست را منتشر کرده بودند به ا.م.ک پیوستند.

ب - همه مبارزین کمونیست منصوب از سازمان زبندگان به کومهله پیوستند.

۲ - از سازمان وحدت انقلابی :

در مه ماه سازمان وحدت انقلابی سر حصول آن چیدن است : در بهار ۶۰ وحدت انقلابی به سه دیدگاه - تجربه عد - دیدگاه اول (تحت نام اتحاد انقلابی برای رهایی کار کبه شورای ملی مقاومت پیوست - دیدگاه دوم که به " کامیونیست ها " معروف بودند مبارزه متعطل را رها کردند. دیدگاه سوم در همان بهار ۶۰ خود به جریانات تفکیکاتی زیر تجربه شد :

الف - بعضی که به همکار پیوست .

ب - بعضی در همان مقطع به ا.م.ک پیوست .

ج - بعضی به کومهله پیوستند .

د - بعضی با تصادف سازمان چندمیزم انقلابی را تشکیل دادند .

در تحولات بعضی رژیم انقلابی عملاً منحل

گردد بعضی همسری از آن به کومهله پیوست . بعضی دیگری پس از مدتی هواداری خود را از ا.م.ک اعلام کرد . و خود رژیم انقلابی نیز به این ترتیب منحل گشت .

۳ - از سازمان همکار :

بهران همکار در خرداد ماه سال ۶۰ بارز گردید و پروژه شکل گیری جناحهای مختلف و بعضاً انضباط و انضباط در این سازمان آغاز گردید . در میان جناحهایی که رسماً با اعلام هويت و فعالیت متعلق در سطح جنبه از همکار انضباط نموده سازمان کمونیستی همکار بود . این سازمان چند ماه قبل به ا.م.ک پیوست .

علاوه بر سازمان کمونیستی همکاره جناح " اکثریت پیغمبرگان " از تفکیکات کرستان سازمان همکار بعضاً به کومهله و بعضی دیگری از آن به ا.م.ک پیوست . عمده ترین تفکیکات کرستان این سازمان فراکسیون " انقلابیون کمونیست " عده ای مستقل به ا.م.ک و کومهله و عده ای دیگر از طریق سازمان کمونیستی همکار به ا.م.ک پیوستند . از فراکسیون ها و انضباطات دیگر همکار محافظ و جمعیتی نیز به ا.م.ک و کومهله پیوسته اند .

۴ - از سازمانهای دیگر جنبه چپ - لیبرال - یوزده کرستان عناصر انقلابی ای از این سازمانها چه مفرقا و چه از طریق چپسالی به کومهله پیوسته اند .



زنده باد بلشویسم!

پاسخ چریکهای فدائی خلق ایران به اطلاعیه کمیته برگزار کننده کنفرانس حزب کمونیست ایران

کارگری و کمونیستی و باین اعتبار موفقیتهای
آهنده تمام سازمانهایی که خود را در این
چنینی بهم میداننده تاثر ستیغ و تمهین
کنندهای دارد - موافق نیستیم و هیچگونه نقیض
تمهین کننده ای برای تشکیل این حزب فرجهایی
کمونیستی ایران قائل نمیباشیم و همدمان با
آنکه نمیتوانیم و ذکر نشده است که از طرف
بما چه اثر عملی بر این اظهار نظر ما مترتب
خواهد بوده ما لهرت نظرات خود به مواصون
- نظریهای برنامه حزبه و نحوه تهیه و ارائه
این برنامه و همچنین خود این برنامه را به
عنوان بخشی از وظیفه خود در مبارزه اپنولوژیست
در درون جنبش کمونیستی به شما ارائه میدهم
و او شما میخواهیم که آنها را نیز - بسرای
اطلاخ عموم - منتشر نمائید - در صورت لزوم ما
بعلا این نظرات را به تفصیل در جزوه جداگانه
ای تفریح خواهیم کرد و به هر حال تمرینی
که پس از یک ماه از تاریخ تحویل این نوشته
میانرت به انتشار آن ننمودید ما خود به
انتشار علنی آن دست خواهیم زد

کمیته مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران

۱۱/۲/۶۷

بلعه در صفحه ۲۱

بخطال ارسال و انتشار اطلاعیه کمیته
برگزار کننده کنفرانس موسس حزب کمونیست
ایران به نیروهای که تحت نام کمونیسم فعالیت
نمکنند و اخیرا باخی از جانب کمیته مرکزی
چریکهای فدائی خلق ایران برهالت ناعندایم
که هیئا آنها منتشر نمکنیم (تجزیه اسامه
کنیم که - چریکهای فدائی خلق ایران - تمام
رسی سازمانی است که رفیق اعرف لفظانی
در آن فعالیت دارد)

• کمیته برگزار کننده کنفرانس موسس
حزب کمونیست ایران •

پاسخ چریکهای فدائی خلق ایران به اطلاعیه
کمیته برگزار کننده

کنفرانس موسس حزب کمونیست ایران
رفقای برگزار کننده

کنفرانس موسس حزب کمونیست ایران

با نیروهای انقلابی :

پس از برهالت نامه مورخ اول اردیبهشت
۱۳۶۷ که طی آن از ما خواسته آمد تا - نظرات
خود درباره برنامه حزب کمونیست و تشکیل
حزب کمونیست ایران حول برنامه - را با اطلاع
شما برسانیم و هر چند که با نظر شما این
مورد که - تشکیل این حزب بر سرشودت جنبش

کارگران جهان متحد شوید!